

# جایگاه حزب در اسلام بررسی

## دیدگاهها

نویسنده: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد نوروزی

ناشر: ستاد فرهنگی فجر انقلاب اسلامی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۵

## به جای مقدمه

حزب و تحزب از جمله موضوعاتی است که از دیر باز در تاریخ معاصر ما مورد کنکاش‌های نظری قرار گرفته است در این خصوص نظرات مختلفی با روی‌کردهای متفاوت ارائه شده است. پس از انتخابات نهم ریاست جمهوری در سوم تیرماه ۸۴ و موفقیت آقای دکتر احمدی‌نژاد بدون پشتوانه‌ی احزاب این بحث با فروع آن در محافل سیاسی، اجتماعی و مطبوعاتی کشور کم و بیش به‌صورت جدی بار دیگر مطرح گردیده است.

از آنجایی که از آغاز انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) و پس از رحلت ایشان، رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان معیار نهضت اسلامی درخصوص تحزب و عمل‌کرد احزاب بیانات و رهنمودهایی را ارائه کرده‌اند، تلاش کرده‌ایم آن‌ها را احصاء کرده و در این جزوه تقدیم شما عزیزان نماییم. در این جزوه درصدد بوده‌ایم که موضوع را از زمان آغاز انقلاب اسلامی تاکنون در کلام امام(ره) و مقام معظم رهبری جمع‌آوری کرده و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرف و تحلیلی در اختیار خواص فرهیخته اهل حق قرار دهیم نتیجه‌گیری از این مجموعه را به خواننده گرامی وا می‌گذاریم.

## دولت حزبی یا حزب دولتی!

آنجاهائی که حزب هست، دولت‌ها از حزب وجود پیدا می‌کنند نه این‌که اول دولت تشکیل شود بعد حزب درست کند، بعد اتکا به آن پیدا کند. این‌جا خوب شما می‌بینید اول دولت درست می‌شود، دولت هم به مجلس و به من و شما هیچ ربطی ندارد، اول دولت درست می‌شود، خودشان می‌گویند، من نمی‌گویم، خودشان می‌گویند، (ما به امر آمدیم و به امر می‌رویم، غلط هم هیچ‌کس نباید بکند، هیچ‌کلی هم غلط نکنند)، نمی‌کند. اول دولت تشکیل می‌شود، بعد که دولت تشکیل شد، سرنیزه دستش آمد شروع می‌کند حزب درست می‌کند، آن وقت هم یک حزبی است که دولت از حزب پیدا شده، دولت ما حزبی است، دولت آقایان حزبی است. آقا این‌ها را برای چه می‌گویند من آخوند نمی‌فهمم، دول عالم نمی‌فهمند این‌ها را آن‌ها می‌خواهند تو این طور باشی می‌خواهند عقب افتاده باشی، دست بردارید آقا از این عقب افتادگی، مجد خودتان را حفظ کنید. اگر حزب می‌خواهید درست کنید، خوب یک حزبی قبل از این‌که دولت شما پیش بیاید، یک حزبی درست کنید و بعد هم حزب در مجلس به طوری که باید بشود، به طوری که قوانین اساسی و قانون اساسی و سایر قوانین اقتضا می‌کند، نماینده درست کنند و بعد هم آقای وزیر، نخست‌وزیر متکی به نمایندگانی که از

حزب پیدا شد و از جمعیت و از خواسته مردم و این‌ها پیدا شد، بعد شود یک دولت متکی به حزب، حالا ما طلبه ای هستیم کاری به این‌ها نداریم، آن‌ها کار دارند، بسم الله دوباره حاضریم.<sup>[۱]</sup>

### جناح‌ها بدون روحانیت یک شاهی ارزش ندارند

این اشتباه هست که بعضی جناح‌ها از قراری که امروز به من کاغذ بعضی از آقایان رسید این‌ها دیگر از روحانیت صحبت نمی‌کنند، نمی‌فهمند این‌ها، این‌ها نمی‌دانند که بی روحانیت یک شاهی این‌ها ارزش ندارند. اگر چنان‌چه دست ناپاکی در کار نباشد و این‌ها را وادار نکند به این‌که در نوشته‌هایی که می‌نویسند، روحانیت را ساقط کنند و اگر مقصود این نباشد که جناح‌ها با هم مختلف بشوند و متشتت بشوند و از راه بی‌فهمی باشد، بی ادراکی باشد و هوای نفس باشد، اصلاح کنند خودشان را، تمام جناح‌ها با هم بشوند، سازمان واحد باشد، یک حزب الهی در مقابل حزب رستاخیز، حزب خدا، حزب الله، همه با هم باشید، همه با هم صحبت کنید، همه با هم قیام کنید، همه با هم قعود کنید. هر دسته‌ای علیحده و آن برای خودش، آن برای خودش، غلط است امروز. روحانیون با آن‌ها، آن‌ها با روحانیون، دانشگاهی با شما، شما با دانشگاهی، بازاری با همه، کارگر با همه.<sup>[۲]</sup>

### یک روز تعطیل روز اجتماع باشد، اجتماع اهل علم

همه شما یک مصیبت دارید، همه گرفتار یک مصیبت هستید. مصیبت، مصیبت مشترک است. همه مصیبت‌زده هستیم. یک امری نیست که اختصاص به روحانیت داشته باشد، اختصاص به احزاب داشته باشد یا اختصاص به دانشگاهی داشته باشد، این مطلبی نیست که اختصاص داشته باشد، اگر نفت را می‌برند، نفت همه را دارند می‌برند، اگر یک مشت آهن‌پاره بیخود وارد می‌کنند در مملکت، برای همه هست این مصیبت، اگر مستشارهای آمریکا را در این جا می‌آورند، این مصیبت برای همه هست، برای یکی و دو تا نیست، اگر پایگاه برای آمریکا درست می‌کنند، این برای همه هست، اگر خیانت به ما می‌کنند، خیانت به ملت می‌کنند، خیانت به همه است، همه دست به دست بدهید، علیحده هرکس برای خودش یک سازی بزند، این غلط است، این شکست است. باید سازمان داده بشود به این قیام با این نهضتی که الآن بالفعل موجود است، باید عقلای قوم، سرهای قوم سازمان بدهند به این، یعنی روابط پیدا بشود بین همه جناح‌ها، همه شهرستان‌ها باید با هم روابط داشته باشند، باید مجالس در روز واحد باشد. یکی از اقسام روابط که من سابق می‌خواستم در قم ایجاد بکنم و نگذاشتند ایجاد بشود (خداوند اصلاحشان کند ان‌شاء الله) من بنابراین گذاشتم که در تمام ایران، یک روز تعطیل، یک روز اجتماع باشد، اجتماع اهل علم یعنی فرض کنید روز شنبه یا شب شنبه تهران یک اجتماع اهل

علمی باشد، خراسان اجتماع اهل علمی باشد، فلان ده هم اجتماع اهل علمی باشد، فلان جا هم چه باشد، این یک سازمان بود، نگذاشتند، نفهمیدند. [۳]

### شماها همه باهم برادر هستید، چرا و بر سر چه اختلاف دارید؟

و من به شما مژده می‌دهم که ان‌شاءالله اگر چنان‌چه دست به هم، همین‌طوری که دادید، دستتان در دست هم باشد، مخالفت‌ها را کنار بگذارید و با هم دوست باشید، همه با هم هم‌قدم باشید، نتیجه خواهید برد و کلک این‌ها را ان‌شاءالله خواهید کند و مملکت مال خودتان خواهد شد و آن یک کلمه‌ای هم که به شما آقایان خارج از کشور عرض می‌کنم این است که گاهی من می‌شنوم ایران که بودم گاهی می‌شنیدم، این جا هم شاید شنیده باشم که آقایان بینشان یک اختلافات جزئی یک کدورت‌های جزئی است، به نظر من این صحیح نیست، شما همه برادر هم هستید، چرا با هم، سر چه با هم اختلاف داریم ما باید همه دست به هم بدهیم و او را که دشمن همه است از بین ببریم. اگر ما بنا باشد که خودمان باهم اختلاف بکنیم، او آسوده سر جای خودش می‌نشیند و قوای ما صرف خودمان می‌شود. این هم یک نیرنگی است که آن‌ها همیشه داشته‌اند که بین همین طبقات مردم اختلاف بیندازند دو تا حزب درست بکنند، این حزب کذایی و حزب کذا، بین آن دو را حزب اختلاف بیندازند و مردم را فلج بکنند، یا مثلاً یک نفر بیاورند جلو، یک چیزی از او درست بکنند بعد هم مردم به او مشغول بشوند، مدت‌ها سر این دعوا بکنند و قوایشان تحلیل برود و آن‌ها استفاده بکنند. [۴]

این احزابی که از اول، مثلاً شاید از مشروطه به این طرف این احزاب پیدا شده باشد، این احزاب مختلفه خیال نکنید که من باب اتفاق یک دسته‌ای با هم جمع شدند و حزبی تشکیل دادند، این با یک نقشه شیطانی بوده. قدرت‌های بزرگ برای این‌که ایران را نگذارند با هم بشوند، یک حزب درست کرده اسمش را این گذاشته و حزب دیگری درست کرده اسمش را آن گذاشته، این حزب با آن دشمن است، آن حزب با این دشمن است. احزاب در بطن این جامعه درست کرده‌اند، جبهه‌های مختلف درست کرده‌اند و این احزاب و جبهه‌های مختلف هم اینطور نیست که آن کار خودش را بکند و راه خودش را برود به آن کار نداشته باشد، آنهم کار خودش را بکند به این کار نداشته باشد، نخیر با هم مختلفند، با هم مخالفند. یک راه استفاده غرب از ما و استفاده آمریکا و شوروی از مخازن و ممالک ماها همین معناست که در بطن خود یک جامعه که باید برای خودش یک حسابی داشته باشد و یک پیشرفتی بکند، در همان بطن جامعه از طریق‌های مختلف اختلاف درست می‌کنند، اختلاف مسلک‌های مختلف - عرض می‌کنم که - جنگ ترک و فارس، جنگ کرد و مثلاً غیر کرد، جنگ مثلاً فرض بفرمائید که بلوچ و غیر بلوچ از این مسائل درست می‌کنند و می‌تراشند. یک مملکتی که باید همه با هم مجتمع بشوند، هرکدام را به یک راهی می‌برند یعنی نقشه‌ها می‌برد این‌ها را به این راه‌های

مختلف و به واسطه همین اختلافاتی که در بطن خود جامعه است نمی‌گذارد این جامعه رو به ترقی خودش برود. آن‌ها استفاده خودشان را می‌کنند، این‌ها می‌زنند توی سر هم و آن‌ها می‌آیند نفت‌هایشان را می‌برند، گازهایشان را می‌برند، هرچه دارند آن‌ها غارت می‌کنند کسی هم نیست که حرف بزند برای این‌که یک فکر واحد نیست، افکار متشتت و مختلف. [۵]

### هشدار نسبت به دست‌های دشمنان در پیدایش احزاب

من حالا باید عرض کنم که اصل این احزابی که در ایران از صدر مشروطیت پیدا شده است، آن‌که انسان می‌فهمد این است که این احزاب ندانسته به دست دیگران پیدا شده است و خدمت به دیگران بعضی از آن‌ها کرده‌اند. من اینطور احتمال می‌دهم که در سایر ممالک که آن وقت مهم انگلستان بوده است، آن‌ها یک احزابی درست کردند برای به دام انداختن ممالک عقب افتاده و ممالکی که از آن‌ها استفاده می‌خواستند بکنند. احزاب در آنجا این طور نبوده است که دو حزب مثلا با هم، به حسب واقع یک اختلافی بکنند و یکی از آن‌ها به نفع دولت‌شان یا مملکت‌شان، یکی آن‌ها به خلاف او یک چیزی بگوید، لکن احزاب را به نظر می‌رسد که درست کرده‌اند برای این‌که دیگران هم به آن‌ها اقتدا کنند در درست کردن احزاب.

در ممالک ما و خصوصا در مملکت ایران، از اول که احزاب درست شده است، این‌ها هر جمعیتی یک حزبی درست کردند و دشمن با احزاب دیگر، یک صحنه مبارزه بین احزاب و این از باب این بوده است که چون خارجی‌ها می‌خواستند از اختلاف ملت‌ها، از اختلاف توده‌های مردم استفاده کنند یکی از راه‌هایی که موجب این می‌شود که اختلاف پیدا بشود و مردم با هم در یک مسائلی مجتمع نشوند، قضیه احزاب بوده است. حزب درست می‌کردند، این حزب، حزب مثلا دموکرات، این حزب، حزب توده، آن حزب، حزب چه، عدالت، نمی‌دانم چه (در آن وقت‌ها یک اسما دیگر داشت، کم کم اسما هم اروپایی شده) این‌ها در ممالک خودشان یک چیزی درست می‌کنند، صورت است، واقعیت ندارد، به واسطه آن صورت، ممالک دیگر را به دام می‌اندازند که آن‌ها وقتی که احزاب درست می‌کنند واقعا با هم دشمن می‌شوند، حزب کذا با حزب کذا این‌ها باهم دشمن هستند و تمام عمر خودشان را صرف می‌کنند در دشمنی کردن با هم. وقتی بنا شد که آن اشخاصی که موثر هستند، آن اشخاصی که امید این است که مملکت به واسطه آن‌ها اصلاح بشود، این‌ها تمام قوایشان را صرف کنند در این‌که خودشان به جان هم بیفتند، دعوا کنند خودشان با هم، تمام نوشته‌هایشان بر ضد هم، تمام چیز، هرکدام دیگری را رد کند، هرکدام دیگری را طرد کند و این‌ها با بعضی آن‌ها دانسته این کارها را می‌کردند و از عمال ابتدائی خارجی‌ها بودند و بعضی آن‌ها هم ملتفت قضیه نبودند که دارند آن‌ها را می‌کشند به یک راهی که مخالف با مصلحت کشور خودشان است.

اساسا باب احزاب از اول که پیدا شده است و این‌ها با هم جنگ و نزاع کردند به نظر می‌رسد که با دست دیگران برای این‌که این‌ها با هم مجتمع نشوند و آن‌ها از اجتماع یک توده ای می‌ترسند، از این جهت به واسطه این‌که این‌ها مجتمع با هم نشوند و مربوط با هم نباشند، این امر را کردند و خودشان هم یک چیزی، صورتی این‌جا درست کردند که این‌ها ببینند که مثلا در مجلس انگلستان حزب کارگر داریم و حزب مثلا کذا، خوب ما هم خوب است داشته باشیم، اما آن‌ها یک جور دیگر فکر می‌کنند، این‌هایی که از آن‌ها اخذ می‌کنند، یک جور دیگری فکر کنند، این‌ها وقتی که با هم دو حزب تشکیل دادند، دو جبهه مخالف و دو جبهه دشمن تشکیل می‌دهند، این دشمن اوست، او هم دشمن اوست و آن‌ها استفاده اش را می‌کنند، آن‌ها بازی می‌دهند این‌ها را که: ((البته مملکت متمدن باید حزب داشته باشد، احزاب داشته باشد))، خوب پس ما هم باید احزاب داشته باشیم اما احزابی که ما درست می‌کنیم اینطوری است که این حزب با آن حزب تمام عمرش را صرف می‌کند در این‌که این او را بگوید و او را بگوید.

از اول این طوری زائیده شد احزاب در ایران، به حسب نظر من، حالا هم که به صورت‌های دیگری درآمده است، حالا هم انسان می‌بیند که این‌ها باز با هم همین‌طور دشمنی می‌کنند و مخالفت می‌کنند و این را هم من احتمال این را می‌دهم که یک دستی از خارج در کار باشد. [۶]

### **امروز اختلافات خودکشی است؛ همه در زیر پرچم توحید جمع شوید**

به اسلام نمی‌شود که با هم بنشینید دعوا کنید امروز، امروز دعوا کردن انتحار است، خودکشی است، امروز اختلافات خودکشی است. سلیقه تو جور نمی‌آید با مثلا حرف فلان آدم نباید الآن اختلاف ایجاد بکنی، ما همه مسلم هستیم و زیر بیرق اسلام همه می‌خواهیم جنگ بکنیم، همه می‌خواهیم مبارزه کنیم. خدا می‌داند که اگر این اجتماع درست بشود و همه شما و همه جبهه‌ها زیر این بیرق بیایند و دست از آن کارهایی که داشتند بکشند، بعد از چند روز تمام می‌شود این مسائل. این‌ها حالا دارند استفاده از همین چیزها می‌کنند، از همین حرف‌ها استفاده می‌کنند، آن روزی که مثلا فرض کنید که یک تظاهراتی می‌شود، دو تا هم از خودشان یا خیر، دو تا هم آدمی که بی‌عقل است، در می‌آید یک شعار دیگری می‌دهد، مقابل همه این چند میلیون جمعیت می‌شود، این غلط است، این انحراف است، این انحراف فکری است، این نفهمی است، این خدمت به غیر است، این خدمت به کارتر است. تو نمی‌فهمی، آن‌ها از خدا می‌خواهند که شما حالا همه با هم اختلاف پیدا کنید و آن بکشد برای حزب کذا، آن بکشد برای حزب کذا. دست بردارید از این حرف‌ها، همه وارد بشوید زیر یک بیرق، بیرق اسلام، اگر اسلام نباشد هیچ چیز نیستیم ما، همه ما را کلمه اسلام جمع کرده با

هم، همه زیر کلمه توحید زیر پرچم توحید بیائید، وقتی که همه مجتمع شدید زیر پرچم توحید، تمام کارها اصلاح می‌شود. [۷]

### همه باید با هم باشیم

این تاسف دارد که بعد از سال‌های طولانی که ما زحمت کشیدیم و حرف زدیم و خطابه خواندیم و نوشتیم، باز آدم می‌بیند که زمزمه‌ای، چند تا آدم بی اطلاع، جوان بی اطلاع، زمزمه این را می‌کند که فلان آخوند را، فلان سید را قبول داریم اما آخوندهای دیگر را قبول نداریم، این غلط است، من آن‌ها را قبول دارم، من ارادتمند به آن‌ها هستم، همه باید قبول داشته باشیم. یا مثلاً یک کسی می‌گوید که نخیر ما دانشگاه را قبول نداریم. ما دانشگاه را قبول داریم، ما دکترها را قبول داریم، ما اطبا را قبول داریم، ما جناح‌های سیاسی را قبول داریم. همه باید با هم باشیم آقا امروز، زیر یک بیرق و آن بیرق لاله الاالله است. این یک پیامی است که من الآن می‌دهم و ان‌شاءالله می‌رسد به ایران و به سایر ممالکی که بچه‌های ما در آنجا هستند که آقا دست بردارید از این خود پرستی و از این خودخواهی. ((انما اعظمکم بواحدة ان تقوموا لله)) قیامت‌ان برای خدا باشد، اگر قیام برای خدا نباشد کاری از او نمی‌آید، قیامت‌ان برای خدا باشد، نه برای هواهای نفسانی که هرکسی بکشد طرف خودش. همه با هم مجتمع بشوید، برای خدا همه با هم مجتمع بشوید و این تشنت و اختلاف و این‌ها، و من از حزب کدام، من از حزب کدام، من از جبهه کذا، من از جبهه کذا هستم، این‌ها را دست از آن بردارید، نمی‌توانید دائماً دست بردارید، موقتا برای خاطر خدا برای خاطر ملیت، برای خاطر کشور، برای هرچه می‌خواهید حساب بکنید، موقتا دست بردارید تا این بساط کنده بشود، این بساط قلدری و آدمکشی و زیر پا کردن همه حقوق از بین برود، این مرد جانی از بین برود که دارد الآن مردم را قتل عام می‌کند. [۸]

### حزب الله غیر از حزب‌های متداول دنیاست

هر مسلمانی که موازین و اصول اسلام را پذیرفته است و در اعمال و رفتار از انضباط دقیق شیعی برخوردار است یک عضو از اعضای حزب الله می‌باشد و تمامی دستورات این حزب و خط مشی آن را قرآن و اسلام بیان کرده است. این حزب غیر از حزب‌های متداول امروز دنیاست. امروز تمام مردم ایران در هر سنی که هستند از زن و مرد که با شعارهای اسلامی مبارزه می‌کنند جزئی حزب الله هستند. [۹]

## نهضت ملت ایران چهارچوب‌های حزبی را درهم شکسته است

نهضت ملت ایران حدود و چهارچوب‌های حزبی را درهم شکسته است و به صورت یک حزب درآمده است و آن حزب ملت مسلمان ایران یعنی حزب اسلام و حزب الله است. در مبارزات ایران کسی جرئت نمی‌کند از ملت دور باشد، من هم یکی از افراد ملت هستم. [۱۰]

## اگر قیامی دسته دسته و حزب حزب شد، بدانید که خدا در کار نیست

من این موعظه خدای تبارک و تعالی به لسان قرآن را دارم به شما می‌رسانم. این موعظه به ما می‌فهماند به این‌که باید وحدت کلمه داشته باشیم، وجهه ما یکی باشد: الله. ((ان تقوموا لله)) قیام لله، دیگر نمی‌تواند که یک کسی یک طرف برود یک کسی یک طرف دیگر. اگر دیدید که در یک قیامی دسته دسته و حزب حزب و جبهه جبهه شد بدانید که خدا در کار نیست. اگر همه با هم متوجه به یک نقطه باشند دعوت به وحدت کلمه است، به وحدت عقیده است. وحدت عقیده وحدت کلمه می‌آورد، وحدت عمل می‌آورد. ((انما اعظکم بواحدة)) یک موعظه، فقط یک موعظه. توی این موعظه همه چیز است. شما این یک موعظه را گوش کنید، عمل کنید، همه چیز شما در این یک موعظه هست موعظه خداست، آن هم فقط یک موعظه. همه چیزهایی که شما تصور بکنید توی این یک کلمه هست. این‌که قرآن معجزه هست برای این چیزهاست که سه تا چهار تا کلمه تمام حیثیات بشر را اداره می‌کند. ((اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فرادی)) قیام اگر قیام لله شد همه چیز متمرکز می‌شود در همان الوهیت و این قیام شما چون یک بوئی از الوهیت می‌داد تا این‌جا رسیده است که قدرت‌های بشری را زیر پا گذاشت، یعنی مشت غلبه کرد بر تانک، مشت غلبه کرد بر توپ، توپ‌ها و تانک‌هایی که در ایران آورده بودند و متمرکز کرده بودند و این‌ها، مشت‌های این‌قدر و پیرها و زن‌های ما در مقابلش ایستاد و گفت که دیگر اثر ندارد. چرا اثر ندارد برای این‌که لله است. مگر با خدا می‌شود معارضه کرد مگر مقابله می‌شود با خدا کرد این کار خدائی است، لله است، برای خداست. همه این دعوی‌هایی که این‌ها داشتند پیچید و کنار گذاشت. [۱۱]

## وحدت کلمه را حفظ کنید، حزب بازی را کنار بگذارید

وحدت کلمه، لله بودن این پیروزی را به شما داده تا حالا. این وحدت کلمه را حفظ کنید، این حزب بازی را کنار بگذارید، این جبهه بازی را کنار بگذارید، این آخوند و دانشگاهی را کنار بگذارید، خدا می‌داند ضرر به شما می‌زند، ضربه می‌زند به شماها. در خارج آدم می‌آید می‌بیند که جبهه‌های مختلف است. کنار بگذارید آقا.

اگر چنانچه مسلمانید، مسلمانی اقتضا می‌کند که کنار بگذارید. اگر ملی هستید، ملی بودن اقتضا می‌کند، اگر عاقلید، عقل اقتضای این را می‌کند. این‌ها را دیگران درست کردند به اعتقاد من، دیگران درست کردند که ما را متفرق از هم بکنند. کنار بگذارید این مسائل را، با هم بشوید ((یدالله مع الجماعه)) همه با هم بشوید. تا این‌جا آوردید تا آخر ببرید. آخر یعنی آن‌وقتی که دست اجانب از مملکت شما کوتاه بشود، مملکت بشود مال خودتان، خودتان اداره اش بکنید، خودتان هرچه دارید دلتان خواست بفروشید، نفت را خواستید بفروشید، خواستید بفروشید. البته می‌خواهیم بفروشیم اما نه این فروشی که این مرد کرد که هم نفت را داد و هم پایگاه درست کرد، به جای نفت پایگاه برای آن‌ها درست کرد. اینطور البته نمی‌شود، ادامه ندارد این. اتفاق کلمه داشته باشید که اگر این پایگاه اتفاق کلمه را از شما گرفتند بدانید که شکست می‌خورید. اگر این جمعیت‌ها توی ایران که همه داد می‌کنند آزادی، همه داد می‌کنند خدا، اگر این تفرقه در آن پیدا شد و یک قشری در آن پیدا شد که یک شعار دیگر غیر الهی داد و لله نبود بدانید که شما را شکست می‌دهند. آن‌ها درست می‌کنند این مطالب را. الآن وقتی است که این‌ها شکست خورده‌اند دیگر هرچه دست‌شان برسد درست می‌کنند یک گروه درست می‌کنند به اسم کذا، یک گروه درست می‌کنند به اسم کذا برای این که تعمیه کنند و این ملت روحیه اش را از دست بدهد. من عرض می‌کنم که محکم باشید، روحیه تان را نگه دارید. وقتی ابرقدرت‌ها نتوانستند غلط بکنند این چهار تا بچه نمی‌توانند کاری بکنند. محکم باشید سر جای خودتان. قدرت ملت یک قدرتی است که هیچ قدرتی با او نمی‌تواند مقابله کند. شما دیدید و دارید می‌بینید آن که همه قدرت‌ها دنبالش بود شما بیرونش کردید. ما تا آن جایی که دست همه اجانب، (چه اجانب چپ و چه اجانب راست) دست این‌ها در مملکت ما یک چیزی دارد، نهضت‌مان ادامه دارد و تا جان داریم فریاد می‌کنیم. از این تفرقه و این اختلاف کلمه دست بردارید آقایان و من از شماها و هم از قشرهایی که در ایران هستند این تقاضا را دارم، ملت‌مانه این تقاضا را از همه تان دارم که همه شما دنبال یک مطلب بروید که بخواهید مملکت خودتان را از چنگ دیگران آزاد کنید. (من دارم سینه می‌زنم برای آمریکا، من دارم سینه می‌زنم برای روسیه، من دارم سینه می‌زنم برای چین) همه اش غلط است. بدتر از بدتر هم. برای خودت چرا سینه نمی‌زنی بدبخت مملکت از من است و به یکی دیگر می‌خواهم تحویل بدهم! و بعد هم ملی هستم باز هم توده ای هستم! توده ای این است که برای ملت خودش باشد، نه برای چین و دیگران باشد. دست بردارید از اختلافات، همه زیر پرچم اسلام بیایید اگر بخواهید که همه قدرت‌ها را کنار بگذارید و خودتان باشید، خودتان با یک اخلاق فاضله، یک مملکت نمونه ای که اخلاق فاضله باشد، یک مملکت نمونه ای که ظلم به دیگران نکنند، طمع به مال دیگران نداشته باشد، ظلم هم تحمل نکنند، مالش هم به دیگران ندهد. برنامه ما این است که نه ظلم بکنیم و نه ظلم بشویم، نه می‌خواهیم به مردم تحمل کنیم، نه تحمل می‌کنیم دیگران را. همه با هم باشید و لله باشد، قصدهایتان را خالص بکنید لله

و صفوف تان را فشرده تر بکنید و من امیدوارم که خداوند به شماها نصرت بدهد و نصرت می‌دهد  
ان شاء الله. [۱۲]

### از این حزبها کاری بر نمی‌آید جز تشنت

حزبها بودند که همه شکست خوردند و تا این‌جا که ما آمدیم با روحیه پاک و ضمیر صاف، مردم، با توجه به اسلام، توجه به دیانت تا این‌جا آمدند و پیش بردند. اگر این روحیه از مردم خدای نخواستگرفته بشود، ما رو به شکست خواهیم رفت. ما با این رمز پیش آمدیم اگر این رمز از دست ما گرفته بشود و اختلافات حاصل بشود، که الآن یک قشرهای مختلفی هی خودشان را خودنمایی می‌کنند و این جزئی اشتباهاتی است که می‌کنند، اگر چنانچه مثلا مردم ملی باشند و صحیح باشند، اشتباه می‌کنند که درست می‌کنند یک جبهه‌هایی، یک حزبهای مختلفی. این حزبهای مختلف هیچ وقت از این‌ها کار نمی‌آید جز این‌که یک تشنتی ایجاد بکنند و یک اختلافی ایجاد بکنند و موجب تشنت و اختلاف بشوند کاری از این‌ها نمی‌آید و اگر خدای نخواستگرفته نظر سوئی دارند، حساب شده آمده‌اند برای این‌که ایجاد اختلاف بکنند. باید ما بیدار باشیم و توجه داشته باشیم به این‌که نگذاریم این‌ها کارشان به ثمر برسد و این امر مهمی است الآن [۱۳]

### همه مکلفیم که نهضت را حفظ کنیم

دو مطلب را در نظر بگیرید: یکی وحدت کلمه که همه با هم باشید و یکی برای خدا بودن که قیامان و نهضتمان برای خدا باشد. خدای تبارک و تعالی دستور داده است به رسول اکرم(ص) که بگو به امت ما که من یک موعظه دارم فقط یک دانه موعظه و آن این است که برای خدا قیام کنید، قیام کنید برای خدا. ((اعظکم بواحدة ان تقوموا لله)) اگر چنانچه یک نفر هستید و می‌خواهید برای خدا قیام کنید، قیام کنید. برای خدا باشد، اگر اجتماعی هم هست قیامتان برای خدا باشد. این موعظه ای است که خدای تبارک و تعالی به وسیله وحی برای ما ملت فرستاده و فرموده همین یک موعظه را من دارم. توی این موعظه همه چیز هست. اگر چنانچه ملت قیام بکند و قیام برای خدا باشد این ملت پیروز است. الآن ما باید به این دستور الهی رفتار کنیم و این نهضت که تا این‌جا رسانیدید و بحمدالله قیام را کردید و تا حالا هم آن‌طوری که من می‌فهمم الله بود یعنی همه مان اسلام را خواستیم، این مطلب را ما باید نگهش داریم یعنی این یک مسأله‌ای است الهی، مکلفیم ما، مائی که مسلمان هستیم، تابع دستورات خدا هستیم، مکلفیم که این نهضت را که برای خدا بود حفظش کنیم، حفظش به این است که با کمال هوشیاری ملاحظه کنید که این‌هایی که می‌آیند و می‌گویند که شما - باکی - دو طایفه‌اید، شما کردستانی هستید، آن‌ها لرستانی هستند، آن‌ها کجا، با کمال هوشیاری ببینید که این‌ها کی

هستند، چرا این حرف را حالا می‌زنند یک ملتی که همه با هم پا شدند می‌خواهند زندگی خودشان را اداره کنند، می‌خواهند دست اجانب را از مملکت خودشان کوتاه کنند و کوتاه هم کردند، آنی که حالا می‌آید می‌گوید که شما سنی هستید و آن‌ها شیعه هستند، شما کردستانی هستید و آن‌ها لرستانی هستند و شما جبهه کذا هستید، در شهرها هم شما جزئی چه حزبی هستید، فلان توی چه حزبی هست، این‌ها را ما باید با هوشیاری دقت کنیم، ملاحظه کنیم، مطالعه کنیم در حالشان که این‌ها از کجا الهام می‌گیرند که می‌آیند مردم را نمی‌گذارند آرام باشند، این‌ها را کی وادار می‌کند، پشت پرده چه دستی هست که این‌ها را وادار می‌کند که ((نگذارید کارخانه‌ها راه بیفتند)) در صورتی که اگر کارخانه‌ها راه بیفتند. [۱۴]

### همه اقشار از اختلاف و تفرق که مضر برای اسلام و ملت است پرهیز کنند

من امیدوارم که ان‌شاءالله همه توجه بکنند، همه قشرها به اسلام توجه بکنند، و این اختلافات و این مسائل که همه مضر برای کشور ماست، همه مضر بر ملیت ماست، برا سلام ماست، از این‌ها دست بردارند، گروه گروه نشوند، این گروه شدن اسباب این می‌شود که مسائل عقب بیفتند. هر گروهی و دستهای جمع می‌شوند، یک گروه درست می‌کنند، مابین گروه‌ها را همه ادغام کردیم، دور هم جمع کردیم تا یک قدرت بزرگ شدند که آن قدرت‌های ابر قدرت را شکستند، حالا آقایان دوباره برگشتند گروه درست کردند، هر روز هم یک گروهی پیدا می‌شود که اگر چه عددشان چیزی نیست، ادعایشان زیاد است نه واقعیتی دارند و نه یک برنامه ای دارند، هیچ چیز نیست لکن همین مقدار که گروه کذا، گروه کذا، حزب کذا، همین‌ها مضر به حال مملکت ماست. ما می‌خواهیم این گروه‌ها برگردند یک گروه بشوند و آن گروه، گروه اسلامی که برای این مملکت مفید باشند، خدمت بکنند به این کشور این نابسامانی‌هایی که هست، این خرابی‌هایی که هست، ترمیم بکنند. این اختلافات و گروه گروه درست کردن نمی‌گذارند خرابی‌ها ترمیم بشود، نمی‌گذارد دولت کارش را انجام بدهد، نمی‌گذارد که مردم به کارشان برسند البته ممکن هم هست که سوئی نیت نداشته باشند. لکن فهمشان خیلی نیست و ادراکشان زیاد نیست، فهم سیاسی ندارند، خیلی دم می‌زنند از این‌که ما کذا هستیم، لکن فهم سیاسی ندارند. اگر فهم سیاسی داشتند، امروز روز این نبود که هی گروه‌های مختلف و دستجات درست کنند، آن یک حزب درست کند، آن یک گروه، آن یک گروه، هرکس یک چیزی درست کند و یک عده ای دور خودش جمع بکند، در عین حال که عده شان چیزی نیست لکن مضر هست. [۱۵]

## انبیاء فتوحاتشان برای خداست

انبیا در عین حال که دنیا را اداره می‌کردند، مملکت‌ها را اداره می‌کردند که در اسلام نمونه بارزش نزدیک به ماست و تاریخ نشان می‌دهد که در ظرف نیم قرن تقریباً اکثر معموره را فتح کردند، در عین حال تعلق نداشتند به دنیا. فتح برای مملکت‌گیری در اسلام نیست. مملکت‌گیری برای حکومت در اسلام نیست. حکومت جائزانه مطرح نیست. فتح برای این است که انسان‌ها را، آدم‌ها را به کمال برساند. فتوحات اسلام غیر از فتوحات رژیم‌های دیگر است. آن‌ها فتوحات‌شان، رژیم فتوحات‌شان، فتوحات برای دنیاست و انبیا فتوحات‌شان برای خداست، برای توجه دادن مردم به خداست. آن‌ها مردمی که اسیر ماده هستند و اسیر نفس و شیطان هستند، آن‌ها را می‌خواهند تحت تاثیر خودشان و مکتب خودشان قرار بدهند و آن‌ها را از حزب شیطان به حزب الله وارد کنند.

(الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیای هم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات) این دو، این دو جنبه است، این دو جنبه است، جبهه طاغوت و جبهه الله، جبهه الله را که توجه به خدا دارند و ایمان به خدا دارند، خدای تبارک و تعالی آن‌ها را از همه ظلمت‌ها از تمام ظلمت‌ها اخراج می‌کند و به نور می‌رساند. آن نور، نور خود حق است. این که نور است (الله نور السموات و الارض) از همه ظلمت‌ها که ما عداى الله است، آن‌ها را خارج می‌کند و به نور می‌رساند و به الله می‌رساند. طاغوت مردم را از نور خارج می‌کند و به ظلمات می‌رساند. (ظلمات بعضها فوق بعض) این دو راه است، راه انبیا و راه طاغوت. راه انبیا راه خداست و خدا ولی است و خدا فاعل است و به دست خدا انسان تربیت می‌شود و راه طاغوت راه شیطان است که شیطان مربی انسان است. [۱۶]

## حزب سازی دشمن درست کردن است

در هر صورت بیدار باشید برادرها که همان دام‌هایی که آن وقت بود و ما را به سیاه روزی رساند و اسلام را از نظر ملت، نه همه البته ملت، زیاد از روشن فکرها انداخت و روحانیون را از نظر آن‌ها انداخت، همان نقشه الآن هست، همان نقشه، الآن هم همان مطالب هست و همان حرف‌ها هست. گروه گروه با هم می‌نشینند، هی گروه درست می‌کنند، گروه. ما زحمت کشیدیم، روحانیون زحمت کشیدند این قشرهای مختلف را جوش دادند به هم تا این کار را انجام دادند، تا این سد را شکستند، الآن جمعیت‌های زیادی پیدا شده‌اند، شما در روزنامه‌ها بخوانید ببینید، هر روز می‌بینید که گروه کذا، گروه کذا، گروه کذا، هی تیکه تیکه، چیزی نیستند اما خوب هی تیکه تیکه می‌شوند، وقتی گروه گروه کنار رفتند یعنی آنی که اسلام می‌خواست با هم جوششان

بدهد و روحانیون زحمت کشیدند و جوششان دادند به هم، حالا همین‌هائی که دعوی این را می‌کنند که ما ملت را می‌خواهیم ما خلق را می‌خواهیم، همین‌هائی که دعوت روشن‌فکری دارند - این‌قدر اگر - اگر چنانچه خائن باشند که خوب معلوم است که از روی فهم می‌گویند و اگر نباشند، این‌قدر فهم ندارند که این گروه‌ها که به هم متصل شد، این سیل عظیم پیدا شد و این سد بزرگ را شکست حالا دوباره تا حالا با هم منسجم شده بودند حالا یک جدیت دارد می‌شود که گروه گروه‌شان کنند، هی این گروه برود کنار، آن گروه برود کنار، آن گروه برود کنار، همه از هم جدا، تا باز راه باز بشود برای آن‌هائی که می‌خواهند استفاده نکنند. متوجه باشید گروه گروه نکنید، این مملکت با وحدت کلمه پیش برد، متفرقشان نکنید ((واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا)) این آیه قرآن را بپذیرید همه بچسبید به ریسمانی که بین شما و خداست و آن اسلام است، متفرق نشوید، از هم جدا، جدا نشوید، هی حساب را جدا نکنید، آن حساب جبهه کذا، آن حساب نهضت کذا، آن حساب حزب کذا، آن حساب گروه کذا، آن حساب حزب چه، کذا جدا نکنید، همه راه، همه با هم باشید، همه دوست باشید. حزب سازی دشمن درست کردن است، هی این یکی از آن طرف بکشد، آن از آن طرف بکشد، آن از آن طرف بکشد. همه تحت یک رایت باشید. همه تحت یک پرچم باشید همان پرچمی که شما را پیروز کرده است تا حالا از این به بعد هم دنبال همان باشید و اگر باشید ان‌شاءالله پیروز خواهید شد. و من امیدوارم که نتوانند این‌ها دیگر شکاف صحیحی وارد کنند. ان‌شاءالله خداوند همه تان را توفیق بدهد، سلامت باشید. [۱۷]

### اجتماع، لکن با تشبث به حبل الله

شما آقایان که ان‌شاءالله تشریف می‌برید و موفق می‌شوید و مردم را هدایت می‌کنید، اولاً دعوت کنید همه را به وحدت کلمه خدای تبارک و تعالی امر فرموده است: ((واعتصموا بحبل الله)) اجتماع لکن اجتماع با تشبث به حبل الله. هر اجتماعی مطلوب نیست ((واعتصموا بحبل الله)) مطلوب است، همان است که ((اقرا باسم ربک)) اسم رب همان ریسمانی است که همه به آن باید اعتصام کنند. مردم را دعوت کنید به وحدت، دعوت کنید به این که گروه گروه نشوند. الآن مشغولند شیاطین به این که این انسجامی که پیدا شد برای ملت ما و با این انسجام پیش بردند و بحمدالله پیروز شدند تا این جا، این را به همش بزنند، گروه گروه کنند، حزب کذا، حزب کذا، جمعیت کذا. چه اسم رویش بگذارند جمعیت اسلامی کذا، چه اسم بگذارند جمعیت دمکراتیک کذا، امروز، روز این نیست که تکه تکه بشود این مملکت، گروه گروه بشوند این‌ها امروز تمام گروه‌ها باید ادغام بشود در یک گروه و آن گروه اسلامی است. همان‌طوری که تمام گروه‌ها ادغام شد در یک گروه و تمام قول‌ها و تمام فریادها ادغام شد در یک فریاد و آن فریاد مرگ بر این رژیم و عرض بکنم که جمهوری

اسلامی می‌خواهیم. آن ادغام گروه‌ها در هم و توجه به اسلام بود که این سد بزرگ شیطانی را شکست و همه حساب مادیین را باطل کرد، آن‌ها حساب عالم طبیعت و ماده را می‌کردند حساب جنبه الوهیت آن را نمی‌کردند، ایمانش را حساب نمی‌کردند که ایمان چه قدرتی دارد، آن را نمی‌توانند حساب کنند و ایمان نمی‌دانند چه است. حساب این‌که، به حسب حساب مادیت محال بود که یک عده معمم که باید درس بخوانند و یک عده دانشگاهی که باید سر کلاس بروند، یک عده بازاری که باید کسب بکنند و یک عده دهقان که باید کشت بکنند و (ولو کشتی برایشان نگذاشتند) یک عده کارگر که باید کار بکنند، نظامی هیچ‌کدام این‌ها نبودند، این‌ها قیام بکنند و نظام یک غولی را به هم بزنند. [۱۸]

### رعایت حدود الهی و پرهیز از اختلاف به منظور حفظ اسلام

باید اصلاح کنید خودتان را، مسئولیت زیاد است آقا، خیال نکنید که مسئول نیستیم، من مسئول نیستم، او مسئول نیست. من عمامه ای مسئولم، شمای غیر عمامه ای هم مسئولید، بازاری مسئول است، دانشگاهی مسوول است. همه مسئول هستیم، همه باید مراقب این باشیم که این مکتب محفوظ باشد. دشمن‌ها الآن دنبال این هستند که مکتب ما را به تباهی بکشند برای این‌که آنی که از آن می‌ترسند این است. دشمن‌های ما از من و شما نمی‌ترسند. از مکتب ما می‌ترسند. آن‌ها - شکسته خورده‌ای - که خودشان را شکست خورده می‌دانند، شکست خورده از من و شما نمی‌دانند، شکست خورده از ایمان شما می‌دانند. آن‌ها فهمیدند، لمس کردند که یک دسته‌ای با هیچ با قدرت الله اکبر بر آن‌ها غلبه کردند. این‌ها این قدرت را می‌خواهند از شما بگیرند و شما حفظش کنید، حفظش به این است که من معمم و هرکس که معمم هست، از حدود الهی یک کلمه، یک قدم برندارید، شما پاسدارهای معظم (که خداوند حفظتان کند) از حدود پاسداری اسلام قدمی تجاوز نکنید. آن طبقه بازاری و آن طبقه اداری و آن دولت و آن ملت هم، همه در رژیم اسلامی الآن واقع هستیم، همه در دولت اسلام الآن هستیم، وظیفه دولت اسلامی را از دست ندهید. اختلافات را در یک اموری که نباید هم در آن اختلاف کرد این اختلافات را کنار بگذارید همه. این حزب بازی و نمی‌دانم گروه گروه که صد گروه به حسب آن‌طوری که در روزنامه‌ها بود، قریب صد گروه، در این چند هفته صد گروه اظهار وجود کرده‌اند، یعنی صد گروه کاری دارند می‌کنند که این انسجامی که پیدا شد و رمز قدرت شما بود به هم بزنند. صد گروه دشمن دارید شما متها یک عده می‌فهمند و شاید اکثرا توجه ندارند. این گروه گروه شدن همین‌طوری نیست که خیال بکنید که من باب اتفاق اظهار وجود می‌کنند. [۱۹]

## گروه‌گرایی اشتباه است، حتی اگر به اسم اسلام باشد

هر روز در روزنامه‌ها می‌خوانید که گروه کذا هم اظهار وجود کرد، بسیارشان به اسم اسلام است و خیلی شان هم غیر اسلامی، هم آن که به اسم اسلام است حالا اشتباه دارد می‌کند، هم آن که به اسم غیر اسلام است اشتباه می‌کند. همه باید تحت لوای لاله الا الله باشیم، همه یکی باشیم ان شاء الله [۲۰]

## رشد سیاسی، گروه‌گرایی نیست

ما اگر رشد سیاسی داشته باشیم حالا یک کشوری که از خودمان شده و می‌توانیم در این کشور زندگی صحیح بکنیم، زندگی انسانی بکنیم، زندگی آزاد و مستقل بکنیم، نباید همه گروه گروه بشویم که در ظرف مثلا چند ماه دویست گروه با اسما مختلف و با حرف‌های مختلف و باز همان مسائلی که در صدر مشروطیت برای شکستن آن قدرت‌هایی که آن وقت مجتمع شده بودند باز حالا دوباره مشغول شدند و آن وقت هم با حزب بازی و احزاب متعدد و این‌ها و مع الاسف احزاب هم که در این ممالک پیدا می‌شود همه مخالف با هم و همه توی سر هم می‌زنند. نباید حالا مردم یک همچو کاری را بکنند. اقشار ملت ما باید همه دست به هم بدهند و این مملکت را نجات بدهند نه این‌که حالا بنشینند هرچه می‌خواهند به دولت حمله بکنند، هرچه خواهند به ملت حمله بکنند، هرچه می‌خواهند به مجلس خبرگان حمله بکنند، هرچه بخوانند به کمیته‌ها و هرچه بخوانند به پاسدارها و سپاه پاسداران و هرچه بخوانند به این‌ها حمله بکنند و تضعیف بکنند. امروز تضعیف ملت و پاسدار و این قشری که الآن مشغول خدمت هستند، خیانت به این مملکت است. باید ما دست برداریم از این افکاری که داشتیم و داریم که ما هرچه دلمان می‌خواهد [۲۱] می‌نویسیم ((چون خوب می‌نویسم فکر این نباشم که چه چیز می‌نویسم)) گاهی نویسنده‌ها اینطوری هستند، نویسنده‌اند، خوب چیز می‌نویسند لکن چیز خوب نمی‌نویسند، یک مسأله مضر به مملکت را خیلی قشنگ و آب و تاب دار و طوری که پسند مثلا بعضی این‌قدر باشد نویسنده لکن محتوایش مضر به مملکت.

دعوت از روشن‌فکر نمایان و مدعیان خلق به حرکت در مسیر ملت آقایان! به خود بیایید نویسنده‌های ما! گوینده‌های ما روشن‌فکرهای ما! این مملکت حالا از خودتان هست، نشینید همه دست به دست هم بدهید، با این قشرهایی که مشغول فعالیت هستند شما هم فعالیت کنید. [۲۲]

احزاب مختلفی بعد از این انقلاب از قرار می‌گویند حدود دویست گروه پیدا شده، دویست گروه به این معنا - این - است که یک جمعیتی که باید منسجم باشند دویست گروه شدند که از هم جدا بکنند مردم را - هم - در تهران اگر بنا باشد دویست تا حزب و گروه و امثال این‌ها باشد و هی اظهار وجود، هر روز تو

روزنامه فلان گروه هم اظهار وجود کرد، این به این معنا - این - است که سی و پنج میلیون جمعیت می‌خواهد از هم منفصل باشد، یعنی آن انسجامی که باعث پیروزی شما شد، آن کارشناس‌هایی که ملت‌ها را شناختند و راه ملت‌ها را مطالعه کردند، راه شکست آن‌ها را مطالعه کردند و طرح دادند برای آن، بهتر از این چه بکنند، بدون این که محتاج باشد که یک قدرت و یک قوای بیاید، خودشان را به جان هم می‌اندازند. احزاب را دست شان قلم بدهند - چیز بکنند - تهمت به او بزنند، این تهمت به او بزنند او را تضعیف کند. من گمان می‌کنم که از اول که احزاب پیدا شده در امثال ایران، این یک طرحی بوده است از خارج، آن‌ها احزاب دارند، آن مملکت‌های دیگر است لکن احزابی که آن‌ها دارند فرم آن‌ها یک جور دیگر است اینطور نیست که یک کاری بکنند که برای کشورشان مضر باشد، لکن وقتی صادر شد به این مملکت‌ها برای این که توجه به عمق مسائل ندارند، احزابی درست می‌شود که به حال کشورشان مضر است. این‌ها یک چیزی درست می‌کنند که این‌ها خیال می‌کنند باید ما احزاب داشته باشیم. عمق این مطلب که احزاب آنجا، ضعف آن‌ها چه جور است و احزاب این‌جا باید چه جور باشد، این را درست ادراک نکردند، احزاب درست کردند لکن هر حزبی برای دیگری کارشکنی می‌کند، آن حزب هم برای او. یک مملکتی که محتاج به این بود که همه احزاب آن مجتمع باشند برای پیشرفت مملکت، همه احزاب درست شد و همه با هم مخالف هستند، مع الاسف از این ممالک ما که تعلیماتش تعلیمات الهی باشد، باید ببینند چه گفتند تا اطاعت بکنیم.

### **حفظ نظام از واجبات شرعی و عقلیه است**

خلاف تعلیمات اسلامی مجتمعات مختلف درست می‌کنند. قرآن می‌فرماید که: (المؤمنون انما المؤمنون اخوه) و غیر از برادری پیش مومنین پیش مومنین چیزی نیست، منحصر برادرند نه غیر برادر، هیچی نیستند الا برادری. این هیچ نیست الا برادری، برای این است که اگر ما هیچ جهتی را ملاحظه نکنیم الا برادری خودمان را، انسجام پیدا می‌کنیم. همه مومنین را، هم مومنین را قرآن می‌خواهد که با هم برادر باشند و غیر از این هم نباشند در بین، اگر همه مومنین در قطرهای اسلامی، در تمام کشورهای اسلامی همین یک دستور خدا را که خدا عقد اخوت بینشان انداخته است همین یک دستور را عمل بکنند، قابل آسیب دیگر نیست. اگر یک میلیارد جمعیت مسلمان، یک میلیارد جمعیت مسلمان که مع الاسف یک میلیارد جمعیتی هستند که تحت سلطه غیر هستند، یک میلیارد جمعیت تحت سلطه دویت و پنجاه میلیون، اگر این یک میلیارد جمعیت به این یک حکم خدا سر نهاده باشند، اطاعت کرده بودند همین یک حکم را که ((انما المؤمنون اخوه)) برادرند این‌ها، اگر این برادری در همه جا بود، اگر این برادری در تمام قشرهای ملت‌ها بود، این رفتاری‌ها برای ما پیدا نمی‌شد،

برادری این نیست که من یک کاری بکنم برخلاف دستور، برخلاف نظام، شما هم یک کاری، این خلاف برادری است. حضرت امیر هم برادر بود با همه، مسلمان بود، مومن بود، برادر بود، راس مومنین بود و برادر بود. عقیل هم برادر حضرت امیر بود، عقیل حق داشت بگوید که من و تو برادریم، من از تو اطاعت نمی‌کنم، این خلاف برادری بود برای این که برادرند در این که آن معنایی که اسلام می‌خواهد با هم پیش ببرند، این برادری است، برادری را برای این درست کردند که منسجم بشوند به هم و با هم یک ندا پیش ببرند. اگر در یک نظامی فرض کنید در ژاندارمری یک دسته بایستند بگویند که ما به تو اطاعت نداریم، ما از تو اطاعت نمی‌کنیم، این اینطور نیست که بتواند یک همچو نظامی برای آن مقصدی که خدای تبارک و تعالی فرموده است شماها برادر هستید، بتوانید برادری کنید. برادری در این مقصد این است که پشت به پشت هم بدهند و همه پشتیبان هم باشند برای پیشبرد مقصد. [۲۳]

### هرچه وحدت زیادتر باشد، آسیب کمتر می‌شود

یک قضیه هم که دنبال این مطلب است و آن‌ها باز جدیت در آن دارند این است که بار راه‌های مختلف، گروه‌های مختلف درست کنند و این یک گروهی که شما داشتید، همه یک حزب کانه بودید همه حزب خدا بودید، آن را می‌خواهند از دستمان بگیرند. این وحدت را می‌خواهند از دستمان بگیرند، یک جمعیتی هرچه افرادش زیاد باشد، اگر جمعیت با هم منسجم نشوند یک نحو وحدت پیدا نکند، آسیب برمی‌دارد، اصلا خودشان آسیب خودشان می‌شوند. اگر یک جمعیتی در یک کشوری، در یک استانی، در یک شهری با هم یک وحدتی نداشته باشند، این‌ها به جان هم می‌ریزند، بعدا خود باطنشان آسیب می‌بیند و اگر چنانچه وحدت داشته باشند هرچه وحدت زیادتر باشد، آسیب کمتر می‌شود.

در راه که ما بودیم این نهضتی که داشتیم در اول راه، این وحدت و این انسجام زیاد بود، محکم بود، یعنی اصل فکر این که ((کی دشمن من است)) نبود تو کار، همه یک نظر بود، اگر هم یک فکری بود خیلی در اقلیت بود، یک انسجامی بین ملت حاصل شد کانه از یک حلقوم صدا در می‌آید، شما اگر در تهران می‌آمدید همان معنا را شنیدید، در تظاهرات که، در آخر ایران می‌شد، می‌شنیدید همان مطلبی که ایران، همان فریادی که از حلقوم تهرانی‌ها در می‌آمد از حلقوم آبادانی‌ها هم در می‌آمد، بندرعباسی‌ها هم در می‌آمد، مشهد هم همین‌طور، همه جای ایران یک صدا داشتند مثل این که یک حلقوم دارد صدا می‌کند. اینطور منسجم شده بودید، یک جامعه توحیدی ایجاد کرده بودید که همه یکی بودید. آن‌ها هم این جهت را دیدند که سیلی که خوردند از این حیث خوردند، از دو حیث بود: یکی اسلامش بود، یکی هم این حیثیتی که، انسجامی که شما با هم داشتید، این دو تا هر دو مورد نظر بوده است. این جا را کوشش می‌کنند با قلم‌ها و با قدم‌ها، با تبلیغات، اسلام را از دستمان

بگیرند، نگذارند حکومت اسلامی پیدا بشود. از این طرف هم انسجام را می‌خواهند از دست شما بگیرند، این وحدت و جهت جامعه توحیدی که عبارت از این بود که همه با هم یک مقصد داشتید و کانه از یک حلقوم صدا درمی‌آید، یک اراده کانه دارد عمل می‌کند. این را می‌خواهند از دستمان بگیرند، متفرق کنند همه را از هم. طرح‌های مختلف در این دارند، ایران را از دست شما بگیرند، این وحدت را از دست شما بگیرند، راه‌های مختلفی دارد در هر جا.

۱. صحیفه نور جلد ۱ صفحه ۹۴ تاریخ ۴۳/۶/۱۸
۲. صحیفه نور جلد ۲ صفحه ۶۰ تاریخ سخنرانی ۵۷/۲/۲۳
۳. صحیفه نور ج ۲ صفحه ۶۰ تاریخ سخنرانی: ۵۷/۲/۲۳
۴. صحیفه نور ج ۲ صفحه ۱۲۲ تاریخ سخنرانی: ۵۷/۷/۱۷
۵. صحیفه نور، ج ۲، صفحه ۲۴۹: تاریخ سخنرانی: ۵۷/۸/۹
۶. صحیفه نور ج ۴، صفحه ۸۹، تاریخ: ۵۷/۱۰/۳
۷. صحیفه نور ج ۴، صفحه ۹۴، تاریخ: ۵۷/۱۰/۳
۸. صحیفه نور ج ۴، صفحه ۹۴، تاریخ: ۵۷/۱۰/۳
۹. صحیفه نور ج ۴، صفحه ۱۸۹، تاریخ: ۵۷/۱۰/۱۹
۱۰. صحیفه نور ج ۴، صفحه ۲۱۴، تاریخ: ۵۷/۱۰/۲۳
۱۱. صحیفه نور ج ۴، صفحه ۲۵۳، تاریخ: ۵۷/۱۱/۱
۱۲. صحیفه نور ج ۴، صفحه ۲۵۵، تاریخ: ۵۷/۱۱/۱
۱۳. صحیفه نور ج ۶، صفحه ۱۵۰، تاریخ: ۵۸/۲/۲۳
۱۴. صحیفه نور ج ۶، صفحه ۱۹۸، تاریخ: ۵۸/۲/۲۸
۱۵. صحیفه نور ج ۷، صفحه ۱۸۹، تاریخ سخنرانی: ۵۸/۴/۳
۱۶. صحیفه نور ج ۷، صفحه ۱۹۲، تاریخ سخنرانی: ۵۸/۴/۳
۱۷. صحیفه نور ج ۷، صفحه ۲۰۸، تاریخ سخنرانی: ۵۸/۴/۵
۱۸. صحیفه نور ج ۷، صفحه ۲۲۹، تاریخ سخنرانی: ۵۸/۴/۷
۱۹. صحیفه نور، ج ۱۸، صفحه ۱۱۷، تاریخ: ۶۲/۶/۳۰
۲۰. صحیفه نور، ج ۸، صفحه ۴۸، تاریخ: ۵۸/۴/۱۵
۲۱. صحیفه نور، ج ۱۰، صفحه ۶۵، تاریخ: ۵۸/۸/۶
۲۲. صحیفه نور، ج ۱۰، صفحه ۶۶، تاریخ: ۵۸/۸/۶
۲۳. صحیفه نور، ج ۱۱، صفحه ۱۴۷، تاریخ: ۵۸/۱۰/۹

اگر از اختلاف‌اندازها پیروی کنید (هرکس که باشد) مملکت شما به دامن آمریکا می‌افتد و اما مطلب دیگری که مهم است و من کرارا تذکر داده ام و امروز هم تذکر می‌دهم این است که ما امروز در حال جنگ هستیم، در حال جنگ با ابرقدرت‌ها هستیم و اگر چنان‌چه ما که در حال جنگ هستیم و دشمن‌های ما می‌خواهند ملت ما را به اسارت بکشند و تمام سران را از بین ببرند، باید این ملت با هم اجتماع کنند و همان وحدتی که در اول انقلاب بود و نتیجه بزرگ آن را دیدید، باز هم حفظ کنند. اینطور نباشد که گروه‌های مختلف، احزاب مختلف و اشخاص مختلف در یک موقعی که ما همه احتیاج به وحدت کلمه داریم، اختلاف ایجاد کنند، تشنج ایجاد کنند. البته آن‌هایی که می‌خواهند این نهضت را و این انقلاب را از بین ببرند و کشور ما را می‌خواهند به حال زمان طاغوت برگردانند، آن کنار نشستند و اشخاص که در داخل هستند، آن‌ها را وادار به عمل‌هایی می‌کنند و نوشته‌هایی می‌کنند و گفتاری می‌کنند که در این انقلاب اختلاف واقع بشود و ملت‌های ما و ملت بزرگ ما طایفه‌های مختلف بشوند، یک طایفه به اسم یک گروه تظاهر کنند و یک طایفه به اسم یک گروه دیگر. این از اموری است که القا شده است به اشخاص یا گروه‌ها و شاید خودشان هم مطلع نیستند. شیاطینی که در خارج نشستند و نقشه کشیدند برای نابودی همه ما خود ما را وادار می‌کنند که تیشه به ریشه خودمان بزنیم. اگر کسانی توجه به این معنا داشته باشند که در صدر مشروطیت که احزاب مختلف پیدا شد، دنبال آن پیروزی که ملت پیدا کرده بود، این احزاب مختلف به جان هم افتادند و این کشور را تباہ کردند، شما گمان نکنید که احزابی که در ممالک دیگری هست، در صدر مشروطیت در انگلستان بود آن احزاب و با همان کاری که آن‌ها می‌کردند و حزب بازی می‌کردند ماها را به اختلاف می‌کشیدند و خود آن‌ها با هم دشمنی نداشتند. هیچ حزبی بر ضد مصالح کشور خودش عمل نمی‌کرد، اگر با هم، هم اختلاف سلیقه یا اختلاف رویه داشتند، عاقلانه بود، با حساب بود، اینطور نبود که یک دسته، دسته دیگر را آنچنان تضعیف کنند که کشورشان آسیب ببیند. مع الاسف همان احزابی که در آنجا بودند به ما نمایش می‌دادند که کشور باید احزاب داشته باشد و احزاب هم باید مخالف با هم باشند و ما را و احزاب ما را روبروی یکدیگر قرار می‌دادند و به ضرر هم صحبت می‌کردند و به ضرر هم قلمفرسایی می‌کردند و نتیجه این شد که به ضرر کشور بود. طرز احزاب در سایر کشورهای بزرگ و از قبیل شوروی (اگر باشد احزابی در آن) و در، از قبیل انگلستان، فرانسه، آمریکا، با وضع احزاب در مملکت امثال ما مختلف است. هیچ وقت نخواهید دید که دو حزب در آمریکا باشد که یکیشان یا هر دویشان بر خلاف مصلحت آمریکا عمل کنند. شما دیدید که در همین چند وقت، چند روز این مخالفتی که بین دو حزب در آمریکا بود و می‌خواستند یک دسته‌ای را یک نفر برای خودشان رئیس جمهور کنند آن دسته هم یکی دیگر را، بعد از آن که آن یکی برد قضیه را و رئیس جمهور شد، آن حزب دیگر نیفتادند به جان او و کارشکنی کنند، تبریک گفتند و بلا اشکال مشغول خدمت هستند برای کشور خودشان و با

وحدت کلمه کشور خودشان را پیش می‌برند، اما در ممالکی که توجه به مسائل ندارند و دیدهای سیاسی ندارند، این‌ها اگر چنانچه گروه‌هائی درست کنند یا احزابی درست کنند، اینطور نیست که بعد از آن‌که کاندید یک حزبی در یک امری پیش برد دیگران بیایند تبریک بگویند و کمک کنند او را، دیگران مخالفت می‌کنند و کارشکنی می‌کنند. باید این ملت بیدار بشود، باید این سران و دولتمردان شرم سیاسی پیدا کنند، این‌ها شرم سیاسی ندارند، توجه به مسائل و مسائلی که برای حفظ این کشور است ندارند، این‌ها را اشخاصی که تعهد به اسلام ندارند، تحریک می‌کنند چه از خارج و چه از داخل و به جان هم می‌اندازند و برخلاف مصالح کشور خودشان عمل می‌کنند. من نمی‌خواهم یک مثلی که معروف است بگویم لکن مثل ما، نظیر همان مثل معروف است که ما را، کشور ما را، ملت ما را به اسارت می‌خواهند ببرند و خود ما کمک می‌کنیم به این اسارت خود ما به روی هم پنجه می‌اندازیم، خود ما جدیت می‌کنیم که مملکت خودمان را ضعیف کنیم، خود ما در جبهه بندی‌هایمان تضعیف روحیه‌های ارتش و روحیه‌های کارکنان و روحیه‌های کارمندان هست و این بزرگترین خطائی است که ما داریم ما اگر اختلاف سلیقه داریم، اختلاف بینش داریم، باید بنشینیم و با هم در محیط آرام صحبت کنیم و مسائل خودمان را به میان بگذاریم و حل کنیم، با تفاهم مسائل را حل کنیم، نه این‌که جبهه گیری کنیم، یکی یک طرف بایستد با دارو دسته خودش و یکی یک طرف بایستد با دارو دسته خودش و خودش کنند در تضعیف یکدیگر و کوشش کنند در تضعیف کشور اسلامی. این‌ها برای این است که تعهد اسلامی نیست و دید سیاسی هم نیست. شماها اگر مسلم هستید، با احکام اسلام عمل کنید و اگر خدای نخواستہ تعهد اسلامی را قبول ندارید، با دید سیاسی مسائل را حل کنید و این کارها که انجام می‌گیرد و این قلم‌ها و این قدم‌ها و این گفتارها از سیاست به دور است و با یک دید غیر سیاسی و غیر اسلامی است. من به سراسر کشور، به سراسر ملت هشدار می‌دهم که اگر چنانچه از این اختلاف اندازه‌ها پیروی کنید، هرکس باشد، مملکت شما به دامن آمریکا می‌افتد.

اگر چنانچه ملت اشخاصی را دید، گروه‌هائی را دید که بر خلاف مصالح کشور دارند جبهه گیری می‌کنند و این طایفه، آن طایفه را می‌کوبند و آن طایفه، آن طایفه را، تکلیف شرعی ملت این است که از آن‌ها اعراض کنند و آن‌ها را پذیرا نباشند. شماها توجه باید داشته باشید که آن ناطق یا آن قلمزن که دارد صحبت می‌کند، چه می‌گوید، کی را تضعیف می‌کند، جز ملت خودش را و جز ارگان‌های دیگر را شما روزنامه‌هائی را که می‌بینید، می‌بینید که میدان جنگ شده است با قلم‌های غیر. [۱۷]

## افتراق و ملی‌گرایی مخالف دعوت انبیاء است

آن ضربه ای که ما از این افتراق خوردیم از هیچ چیز نخوردیم، یعنی اساس تمام ضربه‌ها این ضربه بود، دانشگاه اداره کشور را می‌کرد وقتی دانشگاه به تباهی کشیده شد، اداره کشور به تباهی کشیده شد. و ما دیدیم آنچه که در این قرن‌های آخر واقع شد خصوصا در این پنجاه سال، از آن طرف با تبلیغات وسیع بین برادرهای اهل سنت و برادرهای اهل تشیع کوشش کردند که تفرقه ایجاد کنند. با همه وسایل کوشش کردند و این دو جناح بزرگ را از هم جدا کردند، به طوری که آن طایفه این طایفه را حتی تکفیر می‌کردند و این طایفه آن طایفه را، احزاب درست می‌کردند در کشور. این اختصاص به کشور ما ندارد، همه کشورها، احزابی که درست می‌کردند دو طایفه را به جان هم می‌انداختند. حزب‌ها غافل بودند، رؤسای احزاب غافل بودند که این‌ها دارند چه می‌کنند. هر حزبی دشمن حزب دیگری، در هر قشری دشمن قشر دیگری. پس ما می‌بینیم که آن چیزی که آن‌ها اصرار به آن دارند این است که ما با هم مجتمع نشویم، ما با هم برادر نباشیم، مسلمان‌ها در هر جا که هستند با اشکال مختلفه، یک شکل آن ملی‌گرایی، آن می‌گوید ملت فارس، آن می‌گوید ملت عرب، آن می‌گوید ملت ترک. این ملی‌گرایی که به این معناست که هر کشوری، هر زبانی بخواهد مقابل کشور دیگر و زبان دیگر بایستد، این آن امری است که اساس دعوت پیغمبرها را به هم می‌زند. پیغمبرها که از اول تا ختم شان آمده‌اند مردم را به برادری، به دوستی، به اخوت دعوت کرده‌اند، در مقابل آن‌ها یک قشرهای تحصیلکرده در دامن غرب یا شرق آمده‌اند و ندانسته، اکثرا ندانسته و بعضی هم دانسته قضیه ملی‌گرایی را پیش کشیده‌اند. ملت عرب باید چطور باشد، در مقابل این که اسلام و ملت مسلم باید چه باشند، ملت عرب باید چه باشد، ملت فارس باید چه باشد، ترک باید چه باشد.

رنگ‌های مختلف، این رنگ، رنگ سفید است، آن رنگ، رنگ سیاه است، آن زرد است. تمام این مسائل، مسائل تفرقه افکن از این قدرت‌های بزرگ است و شیطان‌های بزرگ که بین ملت‌ها و بین افراد انسان‌ها می‌خواهند تفرقه بیندازند و ما از آن طرف می‌بینیم که اسلام تکیه کرده است بر اخوت با تعبیرهای مختلف. ((انما المومنون اخوه)) از آن استفاده می‌شود که کانه مومنین هیچ شئی ندارند الا برادری، همه چیزشان در برادری خلاصه می‌شود. در مقابل این کلمه و سایر کلماتی که در قرآن کریم هست، آن‌ها، ابرقدرت‌ها دیده‌اند

که اگر این کلمه و امثال این کلمه تحقق پیدا بکند آن‌ها دیگر نمی‌توانند در این کشورها دخالت کنند. [۲]

## تصدیق حزب جمهوری اسلامی به واسطه سران حزب

کدام حزب را سراغ دارید که سران آن حزب مثل سران حزب جمهوری اسلامی باشد البته من افراد را نمی‌شناسم لکن سران را می‌شناسم و چیزی که آن‌ها تصدیق بکنند ما هم تصدیق می‌کنیم. من نمی‌خواهم بگویم که در حزب جمهوری اسلامی افرادی خودشان را وارد نکردند یا افرادی هم نیستند که اشتباهاتی داشته باشند یا تعمداتی، لکن رویهمرفته را ما باید حساب بکنیم که رویهمرفته وقتی که حساب بکنیم این حزب را با حزب‌های دیگری مثلاً با حزب توده یا احزابی که در زمان محمدرضا بود، سران آن‌ها با سران این‌ها، افراد آن‌ها با افراد این‌ها، طرز عمل آن‌ها با طرز عمل این‌ها مقایسه بکنیم و انصاف داشته باشیم می‌بینیم که این وجهه، وجهه انسانی و اسلامی است و آن‌ها به حسب نوع اینطور نیستند.

این آقایانی که می‌شناسم شان که در راس این حزب بودند و سابق هم بعضی دیگری که بودند، این‌ها را ما با آن‌ها بودیم و می‌شناسیم، لکن این آقایان چند نفر هستند و احاطه به تمام کشور و حزب جمهوری اسلامی در تمام کشور را ندارند. باید اشخاصی که در هر جا هستند و متکفل این امر هستند و اشخاص صالح هستند، با کمال دقت و با کمال وسوسه ملاحظه کنند که افرادی که خدای نخواستہ انحراف دارد و افرادی که می‌خواهند خودشان را وارد کنند در این چیزهایی که به نفع اسلام است و منحرفش کنند، مبدا باشد در آن‌ها. حتی یک فردشان هم خطر دارد به اندازه خودش. جمعیت زیادی اند الآن که در حزب هستند، باید توجه کرد به این که آن‌هائی که در راس هستند، خیلی درباره آن‌ها. [۳]

## تشکل‌های اسلامی مراقب نفوذ دشمن باشند

یعنی در هر جا هستند، در راس به طور مطلق نه، رده بالا را نمی‌گویم، آن‌هائی که در جاهای دیگر هستند و اداره می‌کنند حزب جمهوری اسلامی را باید توجه کنند که در همان مرکز اداریش و تبلیغاتی اش و چیزهای دیگری که دارند مبدا یک نفر از اشخاص منحرف با یک صورت بسیار مثلاً اسلامی، وارد نشود. توجه به سوابقشان بکنند، به لواحقشان، به خانواده‌هاشان و به کارهائی که می‌کنند، توجه بکنند. یک وقت انسان می‌بیند که یک چیزی بسیار خوب است لکن آمدند و منحرفش کردند و لااقل بدنامش کردند. این‌ها الآن به همین قدر کافی اند که یک چیزی که مورد توجه مردم هست بدنامش کنند. این‌ها در صدد این هستند که هرچه ما داریم بدنام بشود دولت را، مجلس را و جمهوری اسلامی را و حزب جمهوری را. باید ما توجه بکنیم به این که راهی که خدا پیش پای ما گذاشته است و ما می‌خواهیم همان راه را برویم، اشخاصی نیابند وارد بشوند و راه را منحرف کنند. این شیطان از روز اول خدای تبارک و تعالی را اگر ملاحظه فرمودید تهدید کرده که من بنده‌های

تو را، می‌نشینم و منحرف می‌کنم. این تهدیدی است از طرف شیطان به خدا. این‌ها اینطور هستند که تا آن آخرین نفسشان وقتی نرسیدند به آنی که باید برسند، تا آن آخرین نفسشان لااقل اگر دست شان نمی‌رسد که بکشند این‌ها را، بدنام کنند این‌ها را و این چه بهتر که وارد بشوند در این جمعیت‌هایی که به اسم اسلام دارند کار می‌کنند مثل انجمن‌های اسلامی که در همه جا هست. این انجمن‌های اسلامی، خود انجمن اسلامی یک چیز خوبی است، مطلوبی است و افرادش هم ان شاء الله اکثرا خوبند، لکن باید توجه داشته باشد این انجمن‌ها که افرادی که در این انجمن وارد می‌شوند، این‌ها چکاره هستند و وارد می‌شوند. یک وقت شما می‌بینید که انجمن اسلامی منحرف شده است و بدنام شده است. اگر چند جا یک خلاف‌هایی را انجام بدهند تعمدی، و بخواهند بدنام کنند این انجمن‌های اسلامی را، یک وقت می‌بینید در سطح کشور انجمن‌های اسلامی را می‌گویند اشخاص مخالفی هستند این‌ها. باید خود اشخاصی که تماس دارند با افراد، در هر جا که هستند خودشان باید دنبال این مطلب بروند که اصلاح کنند قضیه را و افراد با شناسائی، با شناسائی بروند. اگر فرض کنید یک انجمن اسلامی باشد که بیاید و کم کم بخواهد یک جایی که هست آنجا را به هم بزند، اداره ای را حیثیت اداریش را به هم بزند، بدانید این انجمن اسلامی نیست. انجمن اسلامی باید ناظر به امور باشد و معین هر جا که هست باشد. اگر چنانچه انجمن اسلامی مثلاً در بانک که هست بخواهد افراد صالح را هی بگوید چطور است و بیرون کند و افراد ناصالح وارد بکند، این انجمن اسلامی نیست.

باید ملتفت باشید که اشخاصی که در بین شما هست انحراف نداشته باشند که به واسطه انحراف شما را به انحراف بکشند یا لااقل بدنام کنند و بالاخره ما هر چیزی که در این مملکت الآن داریم، چه مجلس و چه دولت و چه حزب و چه بانک و چه سایر ارگان‌هایی که داریم باید ما کوشش کنیم که این‌ها بخورد به جمهوری اسلامی. خوب، ما ادعا کردیم که ما جمهوری اسلامی را می‌خواهیم، همه ملت هم موافقت با این، جمهوری اسلامی می‌خواهیم، آن‌هایی که مخالفند معدودی هستند، خوب، ما که می‌گوئیم که نظام جمهوری اسلامی را در ایران ما متحقق کردیم، آن وقت اگر خدای نخواستہ بیایند مجلس ببینند که مجلس را بعضی آوردند خراب دارند می‌کنند، بروند دولت، دولت هم ببینند همین‌طور است، همین‌طور یک وقت بشود شیر بی دم و شکم، ما باید کوشش کنیم که این‌ها را تا آن اندازه ای که قدرت داریم به همین چیزی که اسلام می‌خواهد مبدل کنیم. [۴]

### **حزب الهی آن است که دعوت به خود نکند، دعوت به خدا کند**

این هم از برکات انقلاب و نهضت اسلام است که با آقایانی که در اطراف هستند ملاقات می‌کنم و امیدوارم این اجتماعات و ملاقات‌ها مفید باشد. از اول عالم تا حال دو حزب بوده است: یکی حزب الهی و یکی حزب

غیر الهی و شیطانی. و آثار هریک هم جدا بوده است و آنی که مال الله بوده چون مقصد خدای تبارک و تعالی است، به سوی او و در راه مستقیم است و آن که برخلاف این راه بوده که اکثریت هم با این‌هاست، حزب‌های شیطانی هستند. از صدر عالم تا حالا، زمان رسول الله هم بوده است و در زمان خودمان هم حزب رستاخیز را دیدید که مقصدشان معلوم بود. حزب الهی، آثارش این است که روح خداست، یعنی کوشش آن این است که دعوت به خود نکند و دعوت به خدا بکند، دعوت به طبیعت نکند و دعوت به الوهیت و ملکوت بکند و این علامتی است که انسان خودش می‌تواند بفهمد که کجا می‌رود. آیا طرف حزب خدایی و خدا می‌رود و جزئی حزب الله است یا طرف حزب‌های دیگر. انسان می‌تواند تشخیص بدهد که چکاره است، البته گاهی حجاب‌ها مانع می‌شود که انسان بفهمد چکاره است. آن‌ها که در این راهند که راه را پیدا کنند می‌توانند حجاب‌ها را پاره کنند و بیایند راه حزب الله را، از باب این‌که ((حزب الله هم الغالبون)) و حزب‌های دیگر هم که فرضاً مدتی بمانند و دست و پا بزنند، مغلوبند و آن چیزی که لازم است برای همه افراد بشر، این است که توجه کنند که خودشان را در حزب خدا وارد کنند. انبیا هم برای همین آمدند، یعنی اگر چنانچه جنگ می‌کردند برای خدا و اگر صلح می‌کردند، برای خدا و اگر دعوت می‌کردند برای خدا. و هیچ یک از انبیا را سراغ نداریم که گوشه‌گیری کرده باشد. چوپان است، عصایش را برمی‌دارد و راه می‌افتد برای نجات مردم و فرعون، ولی فرعون نتوانست نجات پیدا کند. و اسلام است که راه افتاد با همین فقیرها و با همین مردم که در نظر اشخاص دیگر مردم پایین بودند و اشکال به پیغمبر می‌کردند که با تو یک دسته اراذل و مردم پست هستند. و امروز تمام خوبی‌هایی که در دنیا هست و تمام آثار خیر، اثر دعوت انبیاست. یعنی مردمی که دعوت انبیا را قبول کردند، آثار خیر گذاشتند و یک دسته هم که اعوجاج داشتند و آثار خیر گذاشتند، باز هم این‌ها از آثار انبیا است برای این‌که آثار انبیا اسباب این شد تا آن‌ها از خوف ملت‌ها یک همچو کارهایی را انجام دهند و خودشان را به این راه بزنند و وارد بشوند که مقاصدشان را پیش ببرند، لکن این انحراف است و انسان باید از این انحراف‌ها نجات پیدا کند. و بدترین انحراف این است که انسان در ظاهر یک جوری نمایش دهد که واقعه برخلاف اوست. این نفاق است و نفاق از بدترین خبرهایی است که در قرآن مجید آمده. برای خود منافقین بخصوص یک سوره آمده است و برای غیر منافقین بالخصوص سوره نیست. البته برای کفار آمده که کفار منافقین هم هستند. بنابراین آنقدری که اسلام تکیه کرده است بر این‌که منافقین را از بین ببرد یا اصلاحشان کند، برای کفار اینطور نیست. انسان می‌داند با آدم کافر چه بکند، اما با منافقین نمی‌داند چه کند. زمان پیغمبر هم همین‌طور بوده است. و در اسلام از منافقین بیشتر تکذیب شده است و منافق اوضح مصادیق کفر است. [۵]

## اگر ایده حزبی چیزی غیر از خدا باشد آن حزب شیطان است

در هر صورت باید جامعه ما، روحانیون ما، روشن‌فکران ما و دانشمندان ما در فکر این باشند که این نعمت و فرصتی که خدا به ما داده است، طوری نشود که آن را شکر نکنیم. آقایان در هر جا که هستند، در حزب یا در خارج حزب باید کاری [کنند] که مردم را در صحنه نگه دارند. وقتی مردم با هم مجتمع شدند، آن وقت است که می‌توانند کاری انجام دهند و وقتی قطرات جمع شد سیل هم درست می‌شود. بنابراین ما باید دعوت بکنیم و دعوت ما به خود نباشد، دعوت به دنیا نباشد، دعوت به خدا باشد. وقتی دعوت به خدا شد و دنیا هم الهی شد، می‌شود آخرت و می‌شود ملکوت دنیا و فرقی ندارد مابین این‌جا و ملکوت و جبروت، همه اش جلوه ای است از خدا. آن چیزی که دنیا را بد می‌کند این است که انسان توجه کند به عالم پایین، در مقابل خدای تبارک و تعالی. و کسی که دنیا را دارد و خیرات و مبرات و زکات و خمس و همه این‌ها را می‌دهد، دنیایش بد نیست. و میزان، حجم نیست، میزان، آن وضعیت روحی هرکس است. و همه خطرها برای انسان خود آدم است و مبدا اصلاح هم از خود آدم باید شروع شود. و نمی‌شود که یک واعظی که خودش اصلاح نشده بتواند دیگران را اصلاح کند و آن واعظی می‌تواند موعظه کند که در باطنش هم موعظه شده باشد. و همین‌طور هرکس که می‌خواهد صحبت کند باید توجه کند که چه می‌خواهد بگوید، آیا در این چیز رضای خدا هست، آیا دعوت به خودش هست یا دعوت به خدا، بعد هم که صحبت کرد، بنشیند که آیا این صحبت برای این بود یا برای آن. این راهی است برای سیر انسان به خدا که مراقبت کند از خودش و بعد از مراقبت محاسبه نماید. [۶]

## حزبمان را حزب‌الله کنیم

اینطور نیست که حزب بد باشد یا هر حزبی خوب باشد. میزان، ایده حزب است و اگر ایده چیز دیگری باشد این حزب شیطان است، هر اسمی هم داشته باشد. بنابراین ما باید کوشش کنیم که حزبمان را حزب‌الله کنیم، خودمان را جزئی حزب‌الله قرار دهیم. و من امیدوارم که آقایان موفق شوند در هر جا که هستند برای اسلام و برای خدا و برای رسیدن به مقصد الهی فعالیت کنند و اگر در بین خودشان دیدند که کسی انحراف دارد، به آقایان اطلاع دهند. من امیدوارم که خداوند تایید کند که برای اسلام ان‌شاءالله مفید واقع شوید.

## وقتی بنا شد همه ملت در یک راه برود نمی‌شود از این راه منحرفش کرد

و مسأله اینطور است که یک ملتی اگر یک چیزی را خواست، نمی‌شود تحمیلش کرد. می‌شود تحمیل به یک گروهی، یک حزبی، نمی‌دانم یک چیزهایی کرد، اما به یک ملت نمی‌شود یک چیزی را تحمیل کرد. ملت

وقتی بنا شد، همه شان را در یک راه روند، نمی‌شود دیگر این را از این راه منصرفش کرد. با قدرت نمی‌شود ملت را از آن طریقی که دارد منصرف کرد. ممکن است که یک وقت فرض کنید یک قدرت‌هائی سرکوب کنند یک ملتی را، لکن نمی‌شود تا آخر برود، در بین راه فلج می‌شود. بحمدالله مملکت ما جوری است که از اول هم نمی‌توانند، نه این‌که بیایند و بین راه، ان‌شاءالله از اول هم نمی‌توانند. و ما به خدا متکی هستیم و خداوند ان‌شاءالله همه این قدری ما را حفظ کند و دولت ما را، ملت ما را همه را حفظ کند. و باید من واقعا تشکر کنم از شما این قدری عزیز که بعد معنویش بسیار زیاد است برای اسلام و برای ایران، شما محقق کردید و خداوند به شما اجر مجاهدین را ان‌شاءالله عنایت کند. [۷]

#### بسمه تعالی

جنابان حجج اسلام آقای خامنه ای و آقای هاشمی‌دام توفیقهما موافقت می‌شود. لازم است تذکر دهم که حضرات آقایان موسسین محترم حزب، مورد علاقه این جانب می‌باشند. امیدوارم همگی در این موقع حساس با اتفاق و اتحاد در پیشبرد مقاصد عالیه اسلام و جمهوری اسلامی کوشا باشید. ضمنا تذکر می‌دهم که اهانت به هر مسلمانی چه عضو حزب باشد یا نه، بر خلاف اسلام و تفرقه‌اندازی در این موقع از بزرگترین گناهان است. [۸]

والسلام علیکم و رحمت الله روح الله الموسوی الخمینی

## حزب و عملکرد احزاب

### از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی

#### مردم در جامعه اسلامی تحلیل سیاسی دارند نه تعصبات و وابستگی‌های حزبی

بشر امروز، در چارچوب تمدنهای مادی دنیا و تحت تربیت مکتبهای حاکم بر جهان، انسانی یک بعدی است. اگر سرگرم زندگی می‌شود، غالباً از معنویت غافل می‌گردد. دنیا را ببینید، لابد خواننده اید و شنیده اید که در کشورهای دور از معنویت - مثل بسیاری از جوامع اروپایی و غیر آنها که البته بین این کشورها هم کم و بیش افراد اهل معنا هستند - نظام، نظام غیرمعنوی و مادی است. در آن جا، مردم سرگرم زندگی و مادیت و تامین شکم و رفاهند و اصلاً از معنویت و ارتباط قلبی با خدا و توجه و ذکر و دعا و تضرع و گریه و نافله، یادشان نمی‌آید و در غفلت کامل - که بزرگترین بلا و آفت برای انسان است و او را از همه خیرات موجود محروم می‌کند - بسر می‌برند.

وقتی مشغول شکم و اداره زندگی شخصی می‌شوند، حتی در میدان سیاست هم غافلند. بیشتر مردمی که در کشورهای پیشرفته هستند، درک و تحلیل از مسایل سیاسی ندارند و دولت‌ها با تعصب‌های گروهی و حزبی و احیاناً قوم‌گرایی و ناسیونالیستی، آنها را به این طرف و آن طرف می‌کشاند و در میدان‌های سیاست، از آنها استفاده می‌کنند و اصولاً توده و عامه مردم، تحلیل سیاسی ندارند.

اما در اسلام این گونه نیست. همین حالا در جامعه اسلامی ما، مردم تحلیل سیاسی دارند. همین قشرهای محروم کشور، همین عشایر سلحشور غیور، همین عزیزانی که در استان فارس در چادرها یا کوره‌ده‌ها و راه‌های دور زندگی می‌کنند - که جمعی از آنها هم در این محفل حضور دارند - تحلیل سیاسی دارند. در سایر مناطق کشور هم که من در میان قشرهای مردم رفتم و با آنها صحبت و نشست و برخاست کردم و در مناطق و خانه‌ها و چادرهای خود، زیارت‌شان کردم، تحلیل سیاسی دارند و سیاست را می‌فهمند و نسبت به مسایل کشور، دارای عقیده و انگیزه و مقصود هستند و می‌فهمند که ما امروز در دنیا با چه کسی طرفیم و توطئه استکبار جهانی و امریکا یعنی چه. می‌فهمند که چرا دشمن جنگ را بر ما تحمیل کرده بود و متوجهند که دنیای استکباری و قدرتهای مسلح عالم، در جنگی که بر ما تحمیل شد، چرا دایماً از دشمن ما حمایت می‌کردند و هنوز هم بسیاری از آنها می‌کنند. این، تحلیل سیاسی و یک بعد زندگی انسان مسلمان است.

لذا در طول مدت ده سال و چند ماهی که امام فقید بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه) در میان ما بودند و رهبری امت ما و مسلمانان عالم را بر عهده داشتند، در بیانات ایشان می‌بینید که بر حضور مردم در صحنه‌های سیاسی تاکید می‌کردند. مردم باید کشور ایران را متعلق به خودشان بدانند. سرنوشت این ملت و کشور، دست یکایک شماست. عظمت و عزت دادن به این کشور، ممکن می‌شود، وقتی که شما بخواهید. استقلال این کشور، حتمی و ریشه دار می‌شود، وقتی که مردم بخواهند و در صحنه‌های سیاسی حضور داشته باشند و از انقلاب کناره نگیرند و بدانند که چه می‌کنند و چرا می‌کنند و به چه عزم و نیتی انجام می‌دهند. [۹]

خصوصیت دوم، مردمی بودن است. انقلابهای دیگر - آنها که حقیقتاً انقلاب بودند - پس از پیروزی خود، اغلب نسبت به مردم بی اعتنا شدند. کودتاها و حرکات نظامی و امثال این‌ها را کاری نداریم. انقلابها، همیشه در همه جای دنیا به دست مردم به وجود آمده، اما بعد از آن که به پیروزی رسیده یا در آستانه پیروزی قرار گرفته، احزاب یا حزب جای انقلاب و مردم را گرفته است و مردم کنار رفته‌اند. مثل کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی دنیا که نظامهای خیلی از آنها، با یک انقلاب به وجود آمده بود و مردم در آن نقش داشتند و به گروه انقلابی و مبارز مردم کمک کرده بودند، اما در همه این کشورها، به مجرد این که انقلاب به پیروزی نزدیک شد یا به پیروزی رسید، مردم دیگر هیچ‌کاره شدند و حزب همه کاره شد. حزب کمونیست یا هر اسم دیگری که برای حزب حاکم داشتند، هر کاری که خواست بکند، به نام مردم کرد، اما مردم در هیچ کار نقش نداشتند، همان مردمی که به خیابان‌ها آمده بودند، یا به نحوی از انحا مبارزه کرده بودند، یا مثلاً از گروه مبارز پشتیبانی کرده بودند.

مردم، حتی این حق را نداشتند که یک نماینده به مجلس قانونگذاری بفرستند. در هیچ کدام از این کشورها که به اصطلاح کنگره‌های ملی دارند و همان مجالس قانونگذاری آنهاست، نمایندگان مردم حضور ندارند! اصلاً مردم هیچ نقشی نداشتند. این، چیز خیلی عجیبی است. اما همین چیز عجیب، همه جای دنیا بود. این وضعی که انتخابات ریاست جمهوری در ایران دارد، حتی در کشورهای دموکراتیک غرب هم این وضعیت نیست، چون در آن کشورها، احزاب در مقابل هم صف آرای می‌کنند و هر حزبی، اسم کسی را به عنوان کاندیدا ذکر می‌کند. مردمی که به آن کس رای می‌دهند، در حقیقت به آن حزب رای می‌دهند و خیلها آن کس را اصلاً نمی‌شناسند. به هر جهتی طرفدار این حزبند و انگیزه‌های گوناگون اقتصادی و سیاسی و غیرسیاسی موجب می‌شود که طرفدار فلان حزب باشند و به خاطر طرفداری آن حزب، به کاندیدای آن تشکیلات رای می‌دهند و خود آن کاندیدا را هم اصلاً نمی‌شناسند. [۱۰]

## جمهوری اسلامی، آزادانه‌ترین انتخابات، مستقل‌ترین مجلس، مردمی‌ترین حکومت

این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران، مستقل‌ترین و قوی‌ترین پارلمان و مجلس شورا را دارد. در کمتر کشوری، و شاید بتوانم بگویم که در هیچ کشوری در دنیا، شما پارلمانی به قوت و استقلال مجلس شورای اسلامی ما پیدا نمی‌کنید. پارلمان‌هایی که به وسیله احزاب اداره می‌شوند، فرد وکیل و نماینده، تابع نظر حزب است، اما در این جا حزبی هم در کار نیست، بلکه جناحهای سیاسی هستند، اما هیچکدام از جناحها، بر رای آن نماینده مجلس سلطه ندارند، او خودش به صورت آزاد و مستقل انتخاب می‌کند. ما در دنیا، کجا چنین مجلسی را داریم

انتخابات آزاد برای تعیین رئیس جمهور کشور، در دنیا کم نظیر است. آحاد مردم پای صندوقهای رای می‌روند، بدون این که تبلیغات حزبی در ذهن آن‌ها اثر داشته باشد. یک نفر را که شناختند، فهمیدند و تجربه کردند، برای مدتی به ریاست جمهوری انتخاب می‌کنند. در کجای دنیا چنین چیزی هست در بعضی از کشورها که انتخابات ریاست جمهوری به وسیله احزاب وجود دارد، مردم حتی آن کاندیدای ریاست جمهوری را نمی‌شناسند! حزب کاندیدایی را معرفی کرده، مردم هم چون به این حزب عقیده دارند، یا دوست دارند، یا قبول دارند، یا انگیزه‌های دیگری دارند، این کاندیدا را به عنوان رئیس جمهور انتخاب می‌کنند، اما در این جا این طور نیست. پس، آزادانه ترین انتخابات، مستقلترین مجلس، مردمی‌ترین حکومت، در جمهوری اسلامی است. [۱۱]

## انتخاب در نظام اسلامی، یک انتخاب غیر حزبی است

انتخاب در نظام اسلامی، برای مردم که نمایندگانی را جهت قانونگذاری، یا برای مدیریت و اداره امور جاری کشور و برنامه ریزی اقتصادی و سیاسی، یا برای هر امر دیگری انتخاب می‌کنند، یک انتخاب حقیقی است، آن هم به اتکای یک اعتقاد واقعی. این کجا، آن چیزی که امروز در دنیا وجود دارد، کجا، بازی احزاب، رای دادن مردم حتی بدون شناختن آن کسی که به او رای می‌دهند. مثلاً فقط دو حزب در این جامعه وجود دارد و شعارها و تبلیغاتی دارند، آن هم آن طور تبلیغات، با آن عواملی که در تبلیغات غربی امروز وجود دارد که حقیقتاً اگر جزییاتش برای مردم ما تشریح بشود، تعجب خواهند کرد. در اسلام، این طوری نیست. [۱۲]

## در ایران، متن مردم انقلاب را به دوش کشیدند

این جنگ قدرتی هم که در تلکس خبرگزاریها منعکس می‌شود و می‌بینید که دایما امریکا و بی.بی.سی و سایر خبرگزاریها و رادیوها آن را مطرح می‌کنند، به خاطر آن است که این بی‌عقل‌ها، آن را در دنیا دیده‌اند و نسخه اش را در این جا جستجو می‌کنند! اصلا در این جا، رابطه چگونه است در ایران هم بعضی از افراد، با یکدیگر مخالفند. بعضی با هم خوبند، بعضی بدند، بعضی خیلی بدند، اما نوع خوب بودنها، بد بودنها، دشمنی کردن‌ها و رقابت کردن‌ها، اصلا آن نوع نیست، یک چیز دیگر است و قابل مقایسه با هم نیست. این را تحلیل گران نمی‌فهمند. آنچه که در ایران اتفاق افتاد، این‌ها نبود. در ایران، حقیقتا متن مردم انقلاب را به دوش کشیدند و آن را به پیروزی رساندند. نسخه این است و همین نسخه الان در دنیا عمل می‌شود [۱۳]

## نظام اسلامی متکی به مردم و متعلق به مردم و در اختیار مردم نه احزاب

تکیه بر مردم و حاکمیت اراده و خواست و تشخیص آنان، رکن مهم دیگری است که روزه روز باید تحکیم و تقویت شود. مردم آزاده ما، با اراده قاطع خود که از ایمان عمیق آنان به اسلام ناشی می‌شود، مبارزات را تا پیروزی ادامه داده و جمهوری اسلامی را به وجود آورده و با فداکاری و ایثاری بی نظیر، از آن حراست نموده‌اند و از این پس هم در همه حال، نظام اسلامی متکی به مردم و متعلق به مردم و در اختیار مردم خواهد بود. مجلس شورای اسلامی که در آزادی و استقلال رای در جهان بی نظیر است، مظهر اراده مردم و رئیس جمهور، وکیل و برگزیده مردم و مدیران کشور، آحادی از مردمند و مردم دارای حق رای و بیان و تصمیم در کلیه امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعیند. و این، یکی از برکات بزرگ اسلام و طرح منحصر به فردی است که نظامهای شرق و غرب، از ارایه آن ناتوان بوده‌اند و در هیچیک از سیستمهای حکومتی عالم، نمی‌توان نظیر آن را یافت.

علاوه بر نظامهای ورشکسته و متلاشی شده کمونیستی که در آن، حزب منحصر به فرد کمونیست، به جای مردم تصمیم می‌گرفت و علاوه بر نظامهای ارتجاعی مستبدانه که در آن، سلطنتهای موروثی و ریاستهای ناشی از کودتای نظامی، با آن زندگیهای قارونی و دیکتاتوریهایی فرعونی، وبال جان و زندگی مردم محسوب می‌شوند، در کشورهایی هم که اسما دارای نظام دمکراسیند و حکومتها علی الظاهر با رای و انتخاب مردم بر سر کار می‌آیند، باطن کار چیز دیگری است و زمام همه کار، در دست کمپانیها و سرمایه داران استثمارگر است و این قدرت پول و سرمایه است که با در دست داشتن رسانه‌ها و قدرت تبلیغات، امر را بر خود مردم هم مشتبه می‌کند. [۱۴]

## محیط دانشگاه را محیطی بکنید که حزب الهی در آن رشد کند

امروز این بنیان، همان بنیان صحیحی است که وجود دارد. چیزی که می‌خواهم به شما برادران عزیزی که چه در وزارتخانه با آقای دکتر فاضل هستید و چه در دانشگاهها مشغول می‌باشید، بگویم، این است: شماها باید قدر این بنیان صحیح اسلامی را بیش از همه کس بدانید. این هم از اسلام است. باید در محیط دانشگاهی خودتان، اسلام را به حد اعلی پاس بدارید. کاری کنید غریبه‌ها - آن‌هایی که از انقلاب و اسلام غریبه‌اند - احساس نکنند که کار زیر نگین آن‌هاست، حرف من، این است. البته با آقای دکتر فاضل [وزیر علوم وقت] مکرر خصوصی صحبت کرده ایم. این نکته را من به ایشان گفتم، حالا هم به همه شماها عرض می‌کنم. محیط را محیطی بکنید که حزب الهی در آن محیط رشد کند. دشمنان ما در تبلیغات دنیایی، سعی می‌کنند حزب الهی را چهره بدی نشان بدهند. حزب الهی را عبارت اخرای یک آدم بی همه چیز و یک لات تصور می‌کنند! نخیر، خود این آقای دکتر فاضل، یک حزب الهی است. حزب الهی، یعنی این. حزب الهی، یعنی آن که در خدمت خداست و هیچ وابستگی تشکیلاتی سیاسی، جز وابستگی به انقلاب و اساس انقلاب - که اراده الهی است - ندارد. اوایل هم آن لیبرال‌های، ححپ پ خیلی تلاش می‌کردند این عنوان را خراب کنند. من یاد می‌آید همان وقت هم اتفاقاً یک پزشک در هیات دولت، اول کسی بود که من دیدم با افتخار گفت: این قدر می‌گویند حزب الهی، من خودم یک حزب الهی ام. آن هم یک پزشک بود که در یک رتبه بالای دولتی بود. [۱۵]

## لزوم تهیه خوراک فکری برای مردم

یک جهت دیگر برای جاذبه این است که مثل یک حزب، خوراک فکری لازم را به ذهن‌های مردم برسانید. جامعه ما، یک جامعه بی حزب است. البته از جهاتی حسن است، ولی عیب هم دارد. وجود حزب در یک جامعه، باعث می‌شود که خلئهای ذهنی عده‌یی از مردم پر شود. ما در اوایل انقلاب که حزب جمهوری اسلامی را داشتیم، روی جوامعی که با حزب کار می‌کنند، مطالعه کردیم. همین صدام، اگر این حزب را نداشت، تا حالا ده بار دود شده بود و به هوا رفته بود. همین حزب، او را تا حدودی نگهداشته است. در حقیقت، حزب یک کانال کشتی برای رساندن خوراک فکری لازم به ذهن‌های عده‌یی از مردم است که در حزبند. ما این را در جامعه مان نداریم، یک خلئ است. این خلئ را شما باید پر کنید. نه این که شما حزب درست کنید، حزب همین است. ما حزبی به نام تلویزیون و رادیو داریم که در هر خانه‌یی هم شعبه‌یی دارد. سعی کنید خوراک فکری سیاسی مردم را در هر هفته، بلکه در هر روز، به همین منظور و با همین توجه که عده‌یی را می‌خواهید از لحاظ سیاسی تجهیز و توجیه کنید، بدهید یا برسانید [۱۶]

## کادرسازی‌های امام غیر از کادرسازی‌های حزبی بود

کادرسازی‌های امام هم، غیر از کادر سازی‌های حزبی بود. احزاب می‌نشینند اشخاصی را به طور خاص تربیت می‌کنند، برای این که مثلاً فلان شغل و فلان کار را به این‌ها بدهند، اما امام جوانان را تربیت می‌کردند و به آن‌ها روحیه خودباوری می‌دادند. از اول هم امام روی جوانان تکیه بخصوصی داشتند، و همین هم شد. البته بعد از آن که انقلاب پیروز شد، هم کسانی که در مجموعه امام بودند، و هم کسانی که خارج از مجموعه امام بودند، آمدند و کارها را قبضه کردند و مشغول تصدی کارها شدند - با تغییرات و اصلاحاتی که به مرور انجام گرفت - لیکن این را توجه داشته باشید که امام راهش روشن بود، شیوه اش معلوم بود و می‌دانست که چه می‌خواهد. شیوه امام عبارت بود از شیوه‌ی که پیامبران آن را می‌پیمودند، یعنی تزریق ایمان و باور عمیق، همراه با بصیرت و آگاهی و تأمل و فکر در مخاطبان خود. چنین روشی به طور طبیعی استعدادها را شکوفا می‌کند و کادرها را پرورش می‌دهد. لازم نبود از ده سال قبل بردارند فهرستی تهیه کنند که فلان کس را برای فلان کار می‌خواهیم، اما به طور طبیعی فهرست‌هایی طولانی به وجود می‌آمد. [۱۷]

## کسب قدرت را هدف نکنید

به جناحها و دستجات و گروه‌های سیاسی داخلی نیز عرض می‌کنم: همت خود را بر رشد فکری و سیاسی مردم بگمارید و کسب قدرت را هدف ندانید. تلاش سیاسی سالم و بدور از درگیری و تهمت و شایعه سازی اگر با اخلاص و قصد نیک باشد عبادت است و در دل مردم نیز موثر و برای آنان جذاب است، ولی اگر اغراض گروهی بر آن سایه افکند و روش‌های قبيله‌ی بر آن حاکم گردد، خدا و خلق را خشنود نخواهد کرد. کار جناحی و حزبی نباید وحدت ملی را خدشه دار کند و کشمکش‌های گروهی را به میان مردم بکشانند. [۱۸]

## نهضت امام متکی به تشکیلات حزبی نبود

این مرد با این که در ایران نبود، اما از راه دور، مدت چهارده سال قضایای مبارزات اسلامی و نهضت اسلامی در ایران را به معنای واقعی کلمه رهبری کرد. در طول این مدت چهارده سال و بخصوص چند سال اخیر - یعنی از سال‌های ۵۰ و ۴۹ تا ۵۴ و ۵۵ - شدت اختناق و فشار زیاد بود. گروهها، گروهکها، احزاب سیاسی گوناگون، مخفی، مبارز، سیاسی، غیرسیاسی به وجود می‌آمدند و همه در زیر فشارهای رژیم مضمحل می‌شدند و از بین می‌رفتند و یا بی‌خاصیت می‌شدند. با این که بعضی از آن‌ها پشتیبان‌های سیاسی بین‌المللی هم داشتند، به بلوک شرق و غرب - بخصوص به شرق - متصل بودند و از آن جا هدایت و کمک می‌شدند، اما

نهضت امام متکی به تشکیلات حزبی نبود. امام هیچ تشکیلات حزبی در داخل کشور نداشت، عده‌ی شاگردان و دوستان و آشنایان به فکر او و متن مردم بودند. [۱۹]

### امام به سیاست‌بازها میدان نمی‌داد، به مردم اعتماد داشت

امام به معنای واقعی کلمه معتقد به آرا مردم بود، یعنی آنچه را که مردم می‌خواهند و آرائشان بر آن متمرکز می‌شود. البته در این کارها هیچ وقت سررشته کار را هم به دست سیاست‌بازان نمی‌داد. مردم، غیر از سیاست‌بازها، غیر از مدعیان سیاست، غیر از مدعیان طرفداری مردمند. امام به مردم اعتماد داشت. خیلی از گروه‌ها و احزاب و داعیه‌داران و سیاست‌بازها و حزب‌بازها و امثال این‌ها بودند، امام به این‌ها کاری نداشت، میدان هم به این‌ها نمی‌داد که بیایند زیاده‌طلبی کنند، به نام مردم حرف بزنند و عوض مردم تصمیم بگیرند، لیکن به آرا مردم احترام می‌گذاشت. [۲۰]

همین‌طور که عرض کردیم، مسئولان این کشور، آحاد این مردم، امت حزب الله، این جوانان مومن، این بسیجی‌ها، این آحاد قشرهای مختلف، این‌ها در خدمت اسلام و مترصد لحظه‌نیاز اسلام و مسلمین‌اند، مترصد لحظه‌نیازند و در میدان خواهند بود. بحمدالله امروز قدرت اسلام و نظام اسلامی، به شکل طبیعی از همیشه گذشته بیشتر است و متکی به عواطف مردم، پشتیبانی مردم، فکر مردم، حمایت مردم و آرا مردم است و خدای متعال این لطف و رحمت را ان‌شاءالله بر سر این ملت مستدام خواهد داشت [۲۱]

### اختلافات را رها کنید

ما در داخل کشورمان کم‌گرفتاری نداریم. ریشه‌گرفتاریها از دو چیز است: اول، از غفلتها و کوتاهیها و تبدیلیها و احیانا بدعمل کردن‌های خود ماست، در رابطه با اموال عمومی، در رابطه با تجمل‌گرایی، در رابطه با پاسخگویی به مردم در دستگاه‌های مختلف. ریشه دوم، دشمنانی هستند که از همین مایه‌ها و زمینه‌ها سوناستفاده می‌کنند، بر این مردم تنگ می‌گیرند، تهدید می‌کنند، ایجاد اختلاف می‌کنند، دو دستگی می‌اندازند، محاصره اقتصادی می‌کنند. مردم، یکپارچه و مومند، اگر بزرگان و مسئولان کشور هم یکپارچه و یک دست باشند، دشمن جرات نمی‌کند، در این صورت، دیگر هیچ تلاشی علیه این ملت و این کشور به ثمر نمی‌رسد. این اختلافات را رها کنند. بزرگان بایستی کوچکترها را به طریق مستقیم و راه راست بکشانند. آن‌ها اگر اشتباهی می‌کنند، بایستی آن اشتباه را برایشان توجیه کنند و خودشان هم دنبال سر آن‌ها راه بیفتند، یا احیانا آن‌ها را به اشتباه بکشانند. نتیجه این اختلافات، همین چیزهاست. بعضیها هم همشان این است که بنشینند و

ذهن و چشم و دست و قلم و زبان مصرف کنند، برای این که آتش اختلافی درست کنند و به اسم مسائل خطی و حزبی و گروهی و جناحی، دو دسته را به جان هم بیندازند! این کارها را باید رها کنند. [۲۲]

### حاکمیت فقه یعنی...

فقیه یعنی چه. فقیه یعنی کسی که دین را می‌شناسد و راهی را که دین برای مردم ترسیم کرده است تا بتوانند سعادت و خوشبختی و آزادی و خوشی دنیا و آخرت را به دست بیاورند، می‌شناسد و در مقابل مردم می‌گذارد. فقیه یعنی حاکمیت انسانی که یک منطق عقلانی پشت سرش هست، و استدلالی محکم دارد. حاکمیت چنین انسانی را، حاکمیت یک نظامی یا یک سرمایه دار، یا حاکمیت یک سیاستمدار حزبی حرفه‌ای، ندارد. [۲۳]

### عبرت آموزی از تعصبات گروهی

یک موضوع هم مسیله‌ی افغانستان است. آنجا هم همین‌طور. حوادث بسیار تلخی ست. متأسفانه بلایی که امروز خود این آقایان و احزاب و گروهها بر سر افغانستان و ملت آن می‌آورند، در گذشته کمتر سراغ داریم که بر سر مردم افغانستان آورده شده باشد. به خاطر گروه‌گرایی، به خاطر تعصبات، به خاطر نبودن وحدت ملی، به خاطر اهمیت دادن به نژادها: این یکی نژاد سفید است، آن یکی نژاد زرد است، این یکی فارس زبان است، آن یکی پشتوست، این یکی شیعه است، آن یکی سنی است، این یکی رییسش فلان آقاست، آن یکی رهبرش فلان کس است، وقتی گردانندگان امور یک ملت به این مسایل فکر کنند، ببینید آن ملت به چه روزی می‌افتد، این را در افغانستان مشاهده می‌کنید. (رحمت خدا و نور بر روان آن مرد بزرگی که نگذاشت جامعه‌ی ایران، که چند برابر افغانستان جمعیت و وسعت دارد و زمینه‌ها برای درگیری هم در آن وجود داشت، سرگرم این بازیچه‌ها شود؛ من رییس‌م، تو ریسی، من رییس این حزبم، تو رییس آن گروهی، من زبانم ترکی است، تو زبانم فارسی است، آن یکی زبانم عربی است، آن یکی زبانم بلوچی است، آن یکی ترکمن است... این‌ها را - آن مرد بزرگ و آن رهبر یگانه - از درون ذهنیات مردم برداشت و جارو کرد و از بین برد. اگرچه همیشه ملت ایران قادران امام و انقلابش بوده است، اما هرچه از حوادث بیشتر می‌گذرد مسیله روشنتر می‌شود). [۲۴]

### راز محبوبیت امام

امام بزرگوار ما که در سال ۴۱ به هنگام شروع مبارزات، چندان معروفیتی نداشتند، در خرداد ۴۲ وضع و پایگاهشان در دل‌های مردم به آن جایی رسیده بود که آن حادثه پانزده خرداد ۴۲ در تهران اتفاق افتاد و هزاران

نفر در راه امام جان خودشان را فدا کردند، این بر اثر حقانیت آن فریاد بود.

امام تعالیم اسلام را برای مردم بیان کرد، معنای حکومت را بیان کرد، معنای انسان را بیان کرد، برای مردم تشریح کرد که چه بر آن‌ها دارد می‌گذرد و چگونه باید باشند. حقایقی که اشخاص جرات نمی‌کردند بگویند، او این‌ها را به طور صریح - نه به شکل درون گوشتی، نه به شکل شبنامه، نه آن طوری که گروه‌ها و احزاب به صورت بسته و سلول‌های حزبی و برای کادرهای حزبی بیان می‌کنند - روان، آسان، در فضا، برای عموم مردم بیان کرد، این بود که مردم پاسخ گفتند. [۲۵]

### انگیزه‌های دینی با انگیزه‌های مادی و حزبی فرق می‌کند

راز پیروزی امام هم این بود که توانست این هنر بزرگ و این معجزه بزرگ را انجام بدهد و مبارزه را به سطح مردم بکشانند. اما علتش چه بود البته برخی از این علل، به خصوصیات شخص امام بزرگوارمان برمی‌گردد، که آن‌ها را هم عرض خواهم کرد، لیکن عمده علت، عبارت بود از این که امام در موضع یک روحانی والا مقام و مورد اعتماد، از اسلام حرف می‌زد. اسلام، باور عمومی مردم بود و هست. این، خاصیت حرکت دینی و خاصیت انگیزه دینی است.

انگیزه دینی، با انگیزه‌های مادی و حزبی فرق می‌کند. در انگیزه‌های مادی و حزبی، کسب قدرت و حکومت، بیشتر مطرح است. اشخاصی که وارد مبارزه می‌شوند، هرکدام برای خودشان جایگاه و موضعی را تعریف می‌کنند: در نظام آینده، ما چه کار باید بکنیم چه کاره باید بشویم اما در حرکت دینی، این حرفها نیست، همه برای انجام تکلیف وارد می‌شوند. امام بر اسلام تکیه کردند و تعالی اسلام را بیان نمودند. عمق حرکت مردمی از این جا شروع شد، چون همه مردم، با ایمان خودشان وارد شده بودند. شما مثلا می‌دیدید که در فلان روستا، مردم نسبت به مسائل پاسخ می‌دهند. حالا شما ببینید اگر یک حزب سیاسی بخواهد مردم یک روستای دور افتاده را با خودش همراه کند، چه قدر باید تلاش بکند تا دانه دانه این‌ها را به خودش متوجه کند، در حالی که امام چنین تلاشی با این خصوصیت نداشتند، اما با پیام ایشان آن‌ها با ایمان وارد میدان می‌شدند. در شهرهای بزرگ هم همین‌طور بود. در تهران که مرکز هم بود، همین‌گونه بود. بنابراین، عمده، مسأله اسلام بود، یعنی امام به اسلام تکیه داشتند. [۲۶]

- [1]. صحیفه نور، ج ۱۴، صفحه ۳۷ تاریخ: ۵۹/۱۱/۱۵
- [2]. صحیفه نور، ج ۱۵، صفحه ۲۷۸، تاریخ سخنرانی: ۶۰/۱۰/۲۰
- [3]. صحیفه نور جلد ۱۶ صفحه ۱۰۷ تاریخ ۶۱/۱/۱۴
- [4]. صحیفه نور، ج ۱۶، صفحه ۱۰۹، تاریخ: ۶۱/۱/۱۴
- [5]. صحیفه نور جلد ۱۷، صفحه ۱۳۲، تاریخ: ۱۳۶۱/۱۰/۶
- [6]. صحیفه نور ج ۱۷، ص ۱۳۳، تاریخ ۶۱/۱۰/۶
- [7]. صحیفه نور، ج ۱۸، صفحه ۱۱۷، تاریخ: ۶۲/۶/۳۰
- [8]. پاسخ به پیشنهاد حجج اسلام آقایان خامنه ای و هاشمی رفسنجانی در باره تعطیل و فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی. صحیفه نور، ج ۲۰، صفحه ۹۳، تاریخ: ۶۶/۳/۱۱
- [9]. سخنرانی در دیدار با هیات نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان و هیات اجرایی انتخابات میان دوره یی مجلس و خانواده‌های شهدا، اسرا، مفقودان و جانبازان استان‌های فارس و همدان صفحه: ۷۶۳ تاریخ سخنرانی: ۱۳۶۸/۹/۲۲
- [۱۰]. خطبه‌های نماز جمعه تهران صفحه: ۹۴۴ تاریخ سخنرانی: ۱۳۶۸/۱۱/۲۰
- [۱۱]. خطبه‌های نماز جمعه تهران صفحه: ۴۸ تاریخ سخنرانی: ۱۳۶۹/۱/۱۰
- [۱۲]. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، به مناسبت عید سعید فطر صفحه: ۱۳۷ تاریخ سخنرانی ۱۳۶۹/۲/۷
- [۱۳]. سخنرانی در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور صفحه: ۲۰۴ تاریخ سخنرانی ۱۳۶۹/۳/۷
- [۱۴]. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) صفحه: ۲۳۶ تاریخ سخنرانی: ۱۳۶۹/۳۰/۱۰
- [۱۵]. بیانات در دیدار با وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور صفحه: ۵۵۴ تاریخ سخنرانی ۱۳۶۹/۸/۱
- [۱۶]. بیانات در دیدار با مدیران و مسئولان بخش‌های خبری صدا و سیما صفحه: ۹۰۵ تاریخ سخنرانی: ۱۳۶۹/۱۲/۲۱
- [۱۷]. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان در دومین روز از دهه مبارکه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) صفحه: ۴۵۷ تاریخ سخنرانی: ۱۳۷۷/۱۱/۱۳
- [۱۸]. پیام مقام معظم رهبری به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی صفحه: ۷۰۹ تاریخ سخنرانی: ۱۳۷۷/۱۱/۲۱

[۱۹]. خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت مقام معظم رهبری صفحه: ۳۹۳ تاریخ سخنرانی: ۱۳۷۸/۳/۱۴

[۲۰]. خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت مقام معظم رهبری صفحه: ۳۹۹ تاریخ سخنرانی: ۱۳۷۸/۳/۱۴

[۲۱]. خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت حضرت آیت‌الله خامنه ای صفحه: ۵۰۶ تاریخ سخنرانی:

۱۳۷۸/۹/۲۶

[۲۲]. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم صفحه: ۵۷۸ تاریخ سخنرانی: ۱۳۷۸/۱۲/۱۱

[۲۳]. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مهمانان خارجی دهه ی فجر و قشربهای مختلف مردم درروز

نیمه شعبان جلد: ۲۹ صفحه: ۱۳۸ تاریخ سخنرانی: ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

[۲۴]. خطبه‌های نماز جمعه ی تهران، به امامت مقام معظم رهبری جلد: ۲۹ صفحه: ۱۵۹ تاریخ سخنرانی:

۱۳۷۱/۱۲/۷

[۲۵]. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان در دومین روز از دهه مبارکه فجر (روز انقلاب

اسلامی و جوانان) صفحه: ۴۵۰ تاریخ سخنرانی: ۱۳/۱۱/۱۳۷۷

[۲۶]. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان در دومین روز از دهه مبارکه فجر (روز انقلاب

اسلامی و جوانان) صفحه: ۴۵۳ تاریخ سخنرانی: ۱۳/۱۱/۱۳۷۷